

## بازخوانی آرای هابرماس

در گفت و گو با دکتر حسینعلی نودری



آراء و اندیشه‌های هابرماس هنوز هم در ایران با دوگانگی‌های بسیاری طرح می‌شود. در حال حاضر هابرماس به عنوان یکی از بزرگترین جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان اجتماعی و فلاسفه غرب شناخته شده است. در حالی که در ایران هنوز با آرای جامعه‌شناختی هابرماس آشنا نیستیم. دکتر حسینعلی نودری که پیش از این او را با ترجمه و چاپ آثار فلسفی معاصر (پست‌مدرن) می‌شناختیم، این بار دست به تألیف کتابی درباره هابرماس تحت عنوان بازخوانی هابرماس زده است.

## معیارهای انتشار مجموعه کارنامه دانشوران ایران و اسلام

علیرضا مختاریپور مدیرعامل مؤسسه فرهنگی اهل قلم است. مدتی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشتغال داشت و چند سالی در مؤسسه انتشارات امیرکبیر فعال بود. از سال ۷۸ تا ۷۴ مجله ادبی اهل قلم را سردبیری می‌کرد و انتشارات اهل قلم را نیز بنیان گذاشت. مختاریپور در رشته فلسفه غرب تحصیل کرده. مؤسسه انتشارات اهل قلم هم‌اکنون مجموعه‌ای از آثار کلاسیک ایرانی و اسلامی را به‌صورت خلاصه شده به شکل بازتابی به قلم محققان منتشر می‌کند و تاکنون ۶۵ عنوان کتاب در این زمینه، به اهتمام نویسنده‌گان و پژوهشگران توسط انتشارات اهل قلم منتشر شده است.



په چپانه انتشارات در آمدی پر فلسفه تاریخ

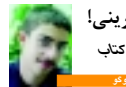
پایان ناپذیر مثل بحث تاریخ

## فقط جاده‌ها، ساختمان‌ها و پل‌ها را می‌بینند

گفت و گو با سید ضیاء قاسمی: شاعر



با اردشیر مجرد تاکستانی نگارگر صاحب‌نام بهره‌های نشر دینی از هنر



یک گفت‌وگوی تمرینی! با جوانترین فهرست‌نویس کتاب

### در این شماره

دانش آموز سال‌های دور



دکتر غلامحسین صدری افشار

از دوران دانش‌آموزی می‌گوید

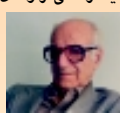
گفت و گو

کتابفروشی تماشاکه تاریخ

کتابفروشی‌های بازار

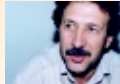
چهره‌ها و کتاب‌ها

سیدمرتضی راوندی



جلد دهم «تاریخ اجتماعی ایران» اثر سیدمرتضی راوندی طی روزهای آینده از سوی مؤسسه انتشارات نگاه چاپ و منتشر می‌شود. مرتضی راوندی نویسنده این مجموعه سال ۱۳۹۲ در تهران در خانواده‌ای روحانی متولد شد.

گفت و گو



گفت و گو با ابراهیم زاهدی

ادبیات کودک

در روزنامه‌ها

نقد و نماند

یک فرمول

سه حرفی

سید علی محمد ربیعی

گفت و گو

### آینده کتابخانه‌های دیجیتال

یادگار هالیدی

انتشارات مک گرو - هیل

### طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور

کتاب چهره‌های ماندگار

آثار و زندگی‌نامه ۱۰۰ چهره فرهنگی به دوزبان انگلیسی و فارسی

### کتابخانه‌ها

به وسعت فرهنگ و عرفان

از چشم یک مترجم

## انتشارات عمومی و فرهنگی

ناشر و نیازی نویسنده: ویلیام شکسپیر مترجم: هاله اندین بازارقادی قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

الکترای نویسنده: سوفوکل مترجم: محمد سعیدی قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

شکوختلا نویسنده: کالیداس مترجم: اینوشیکهر قیمت: ۹۰۰۰ ریال

مركز فرهنگي انتشارات آراء، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، طبقه اول، تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

مركز فروش و توزیع کتاب: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، طبقه اول، تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، طبقه اول، تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸





## برزیدگان کتاب سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات

امین یونسٔتم پیچیده به بالای خود تکیهٔ زمانی از محمدرضا صفدری و «خلد» در خانه تهنایی، مجموعه داستانی از بهرام مرادی برندگان کتاب سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات شدند. در آرماسی که به همین منظور در سال مشارکت‌های مردمی نظامی گنجوری برپا شد همچنین از یک شعر فعالیت خیال می‌رساند در زمینهٔ نگارش کتاب‌های آموزش ادبیات و نوشتن داستان و زمان نقددرضا-سیاسیستی و وحشت محمودی نیز دربارهٔ آثار و زندگی می‌رساندی سخنرانی کردند. در چهارمین دوره کتاب سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات برای نخستین بار از نقدهای چاپ شده در نشریات تخصصی ادبی و نیز یک نفر از خبرنگاران فعال ادبیات تغیر شد. در این بخش از «مشیت علمی» و «حسن میرعلایی» به طور مشترک برای نقدهای آنان در مجلات کلیف ماهی‌فیات، روش‌نویه، خانهٔ هنرمند، سیده زورین پناه، نیز به عنوان خبرنگاران فعال برگزیده شد.هیات داوران کتاب سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات عبارت بودند از: احمد غلامی (دبیر)، نقیسی سلیمان، علی‌اصغر سیدآبادی، سحر محمودی، مه‌ری یزدانی،میر امیر نصیری،محمد-حسن شهسواری.

### تبریک کانون نویسندگان ایران به شیرین عبادی

اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی را به مردم تبریک گفت.
در بخشی از این پیام آمده است: «خبر بسیار شوق‌انگیز بود. خانم شیرین عبادی نویسنده و وکیل مبارز ایرانی، از کوشندگان بیکر آزادی اندیشه و بیان و عضو کانون نویسندگان ایران برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۳ میلادی اعلام شد.»

**انجمن نویسندگان کودک و نوجوان**

## عبادی از جدی‌ترین مدافعان حقوق کودکان در کشور است

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با صدور بیانیه‌ای اطمای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی را جایزه‌ای شیرین برای همه مردم ایران و بخصوص کودکان و نوجوانان ایرانی خواند.
در بخشی از این بیانیه آمده است: «شیرین عبادی یکی از جدی‌ترین مدافعان حقوق کودکان در کشور، راسته، او انگیزه بارها از کودکان آسیب‌دیده، دفاع کرده است و با نوشتن کتاب و مقاله در این زمینه و با مشارکت گروه جلدی در تأسیس نهادهای مدافع حقوق کودکان در تعمیق و نهادینه کردن چنین کوشش‌هایی تأثیرگذار بوده است.»

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در بخش دیگری از بیانیه این موفقیت بزرگ را به همه مردم ایران و بخصوص شیرین عبادی تبریک گفته و در پایان اظهار امیدواری کرده است که این جایزه در ارتقای سطح حقوق کودکان ایران تأثیرگذار باشد.

### زندگی‌نامه شهیدی وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی تدوین شد

کتاب شهیدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حاوی زندگینامه حدود ۴۰ شهید این وزارتخانه منتشر شد.
این مجموعه شامل زندگینامه، وصیتنامه و هزار نسخه منتشر کرد.

## کتاب در مرحله نهایی جایزه گلشیری

نتیج مرحله اول سومین دوره جایزه گلشیری اعلام و ۱۷ کتاب در چهار گروه مجموعه داستان، اول مجموعه داستان، رمان اول و رمان به عنوان آثار زارباشته به مرحله نهایی معرفی شد.
در این مرحله ۵۱ (مجموعه داستان و ۳۷ رمان) بررسی شده به مرحله بعد راه یافته اند.
مجموعه داستان اول (این نویسندگان بیشتر مجموعه داستان با رمان در ایران منتشر ایران احمدآوردان، برادران چهارماده انتشارات نقش خورشید۲- سهیلاسنکی، پاره کوچک، انتشارات کهک ۳- بهار صادقی، خواب‌های سرین، نشر گیو ۴- بهرام صفدری، من بر سیرتیم، پیچیده به بالای خود تاگم، نشر قهوه ۶- فریا یفی، برده من، نشر چشمه.

### کتاب

**پیام غدیر، نوشته علی‌اکبر اشتری، مصحح و ویراستار، محمدکاظم پهنیا، چاپ اول، طبع پاییزی، ۹۶ صفحه، ۱۲۰۰۰ نسخه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، ۲۵۰۰۰ شاب**


پیشگفتار این کتاب متن و ترجمه خطبه مهمی از امیر مؤمنان (ع) است که در یکی از میدان‌های که مصادف با روز جمعه شده بود ایراد کردند و در آن از رویداد غدیر سخن به میان آوردند. متن کتاب شامل خطبه غدیر و ترجمه آن است که توسط پیامبر اکرم(ص) در روز ۱۸ ذی‌حجه سال ۱۰ هجری ایراد شده است. این متنها و ترجمه‌ها با توضیحات تکمیلی مؤلف همراه‌اند.

### دو کتاب تازه


### از دکتر سیدموسی دبیباج

دکتر سیدموسی دبیباج با عنوان‌های «الیه» و «شعر و معماری خاتم صالحی» دو کتاب منتشر شد.

نثر این دو اثر انتشارات یونیت‌است، در طبع‌هایچ‌اچ‌اچ راه‌نوبل لیبی، معماری تیره‌ه لیبی و واشلتی بالی، شروع می‌کند و پس از ۲۸ کتاب دیگر به نوبت طبعی لیبی و سرلجام عشق لیبی می‌رسد.شعر و ادبیات مآخضی در معنای و ادبیات معاصرو نیز دربردارندهٔ ۲۲ فصلی دربارهٔ شعر، عبادت، معبر، محله، خانه، ایوان، ریاضه، کاروانسراها، رنگ‌ها، قهقهه‌ها، یوزها، باران، حجام، راهپا، فواره‌های کوی و کرجه‌ها، سرور و قحط و مطلب‌خجری در خصوص صمدی و ادبیات است.

**بیاداشت**  

**سایر حمندی**

**جایزه شیرین صلح**



روایه‌های یک کودک همه از صلح است  
روایه‌های یک مادر همه از صلح است  
هنگاهی که زخم‌ها بر رخصاره جهان نشیام می‌یابند

صلح طغ غلغ در شامگاهان است  
هنگاهی که توقف مآبستی در خیابان نه به معنای سر است  
هنگاهی که صدای کوشی بر در به معنای حضور یاری است  
این صلح این صلح است  
صلح پهلای شیر گرم و کتابی است در برابر کودک پیدار  
هنگاهی که زندان‌ها به کتابخانه‌ها بدل گشته‌اند  
این صلح این صلح است  
کتاب اقبای مهربانی است بر زانوان سیده‌دمان  
هنگاهی که می‌گوید «برادر من» هنگام که می‌گویم:  
- اما فردا ما خواهیم ساخت»  
هنگاهی که می‌سازیم و می‌خوانیم  
صلح این صلح است  
صلح نان بریان است بر سفرهٔ جهان  
نیشخند مآبری است  
تپا همین صلح جز این نیست  
برادران من  
همه جهان با همه روایه‌ایش  
عمیق نفس می‌کشد در صلح  
دست‌هایمان را به ما بسپارید برادران صلح است، این

این شعر بخشی از سروده پائیس ریونسون است که به منظور گردهمایی در سومین کنفرانس بین‌المللی نویسندگان برای صلح در سال ۱۹۷۷ سروده شده است.

شیرین عبادی، نویسنده، حقوقدان و وکیل دادگستری برنده جایزه صلح نوبل شده است؛ جایزه‌ای که نام ایران را این بار به خاطر صلح در همه سرزمین‌ها طنین انداز می‌کند. اتفاقی غیر متوقع، خجسته و زشک‌انگیز که شوق را در دل‌های ایرانیان بدل به سرود می‌سازد. شیرین عبادی سال ۱۳۴۶ در تهران متولد شد. پدرش محمدعلی عبادی نیز نویسنده کتاب «حقوق تجارت» بود. شیرین عبادی پس از طی دوران متوسطه وارد دانشکده حقوق شد و پس از ایلتاس قضایی ادنی به خدمت در دادگستری مشغول شد و نخستین زنی بود که پیش از انقلاب اجازه تصادرت گرفت. عبادی زمانی که فوق لیسانس قضایی گرفت از فعالیت در دادگستری کناره‌گیری کرد و به تدریس در دانشگاه مشغول شده ضمن اینکه گمان‌کن فعال و کاتک را نیز دانه‌تپا.

شیرین عبادی از جمله زنان آزادیخواه جامعه است که در راه تسهیل حقوق زن و مرد از هیچ‌گونه لابی‌اش از راه قلم و درج نبرد و طی این مدت مدتی و چند کتاب چاپ و منتشر کرد که عموداً در مسیر آشنایی مردم با علم حقوق و معرفی حقوق بشر، حقوق کودکان و… است و در همین رابطه جایزه مؤسسه نظارت بر حقوق بشر نصیب او شده بود.

این عبادی به ترتیب زمان انتشار از این آثار است: «حقوق جنایی» که با همکاری دکتر عبدالحسین علی‌آبادی تألیف و تدوین شده است، «حقوق کودک» که پس از انتشار در ایران توسط سازمان یونسف ترجمه و در کشورهای انگلیسی زبان توزیع شد، کتاب «کارگران خردسال»، «حقوق ادبی و هنری»، «حقوق زنان بزرگوار»، «حقوق پنهانکاران»، «اتاریخچه استاد حقوق بشر در ایران»، «است و تجدد در سیستم حقوقی ایران»، «حقوق جنایی»، «حقوق زنده» و…

شیرین عبادی در پیشگفتار کتاب «حقوق ادبی و هنری» که چاپ دوم آن از سوی نشر چشمه منتشر گردیده، آورده است: «بر این ادعا نیستم که در این کتاب کلیه قوانین و مقررات مربوط به هنر و ادبیات (مشاغل هنری و ادبی) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، زیرا این کار نه مفید است و نه ضروری. از این رو کتاب صرفاً آموز جهت رفع مشکلات و مسائل روز جامعه است. حقوق بشر در ایران» است و تجدد مستقیم هستند.

عبادی در چاپ دوم ضمن تأکید بر آموزش قوانین می‌نویسد: «مشاور عالی انقلاب فرهنگی طی موعودای، توصیه نمود که در برنامه درسی هر دانشکده در درس ابتدایی، درسی جاری مطالب حقوقی گنجانده شود تا دانشجویان با قوانین مربوط به رشته تحصیلی خود بی‌آشنا گردند»

نمای تلاش این حقوقدان در تألیف این آثار آموزشی و حقوقی بر این پایه استوار است که هر کشر و گروهی از جامعه با تمام حقوق خود در زمینه‌های گوناگون آشنا شود، ملتی که به حقوق خود آگاهی پیدا کند، کمتر راضی به از بین رفتن آن می‌شود و به آن تن می‌دهد.

## کتابخانه

شماره ۱۳۲، شنبه ۲۶ مهر ۱۳۸۲




**دانش**

رضا نوری


**دانش**

## به وسعت فرهنگ و عرفان

سنان راست بر سر گذاری شهری بادام خورد، به رویت آغوش می‌کشاند، شهری به وسعت فرهنگ و عرفان با کچه‌ها و خانه‌های آتش، اینجا دامغان است. احمدزاده عطایی، شاعر و نویسندهٔ دامغانی اولین کسی است که با خبرنگار کتاب هفته به گفت‌وگو می‌پردازد. کتاب‌های منتشر شده این ادیب هنرمند و مطرب ادبی و فرهنگی وی که چسته و گریخته در طابعات کشور، خونبومی می‌کند، گویای این است که این شاعر نیز دواوشاد دهم‌اهل قلم دیگر در این

وادی قدمت‌دار، ساده و درخیز کار می‌کند، می‌نویسد و تجربیات خود را منگوب می‌نویسد. این ادیب می‌گوید، برای نمایش‌های استانی، تا اندازه‌ای توجه عمومی را بر می‌انگیزد و کتاب، این غریب درآتشاد، بار دیگر به میدان می‌آید.

وی می‌افزاید، اما با تمام پیشگاه‌این تب هم خیلی سریع، فروکش می‌کند و باز هم در برخی مواقع، شاهد این هستیم که کمتر کتابی خوانده می‌شود و یا کمتر مخاطب کتابدوستی از این کتابفروشی را فروش را در دامغان دارد و می‌توان

این کتابفروش در گفت‌گو مخاطبان این نوع کتاب‌ها، بیشتر از میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان هستند. این کتابفروش در توضیح وضعیت کتابخوانی و حوزه علاقه مخاطبان به کتاب، تصریح می‌کند، این کتاب‌های ادبیات، سیاسی، طنز، بیشترین فروش را در دامغان دارند و می‌توان گفت که مخاطبان این نوع کتاب‌ها، بیشتر از میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان هستند.

این کتابفروش می‌افزاید: تاگاه انبوهی از کتاب‌هایی با سطح کیفی مختلف در پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد و روزی‌فعلی نامی در خرید، دیده می‌شود. در این شرایط، عده‌ای فریاد بر می‌آورند که هیچ کس کتاب نمی‌خواند… در صورتی که کتاب‌های مناسب خریدار ندارد و کتابسازی با شیوه‌های ناصحیح با شکست مواجه است به اصل

می‌رود تا کتاب مورد علاقه‌اش را بیابد… این شاعر که چند سالی هم در امر تدریس فعالیت کرده است، در ادامه صحبت‌های خود، تصریح می‌کند، به اعتقاد من، از سال‌های طوفانی‌یاد به فرقه‌ی خود که کتاب و کتابخوانی یابد به عنوان جزئی لاینفک از زندگی‌اش تلقی شود و اگر فرد از همان سال‌های آغاز عمر، به مطالعه احسان یاز کند، تأثیرات مثبت خواندن در او بروز و ظهور خواهد کرد.

گرم‌تر شیلی از کتابفروشی‌اش را تعطیل کرده است. در حال حال است کتابفروشی‌اش را تعطیل کرده است.

وی با افتقاد از مشکلاتی که در حوزه نشر کتاب وجود دارد، می‌گوید، هر وقت که کتاب و مطالعه، از رونق بيفتد، راه برای تلاش وقت و عمر، با کفایت منوار خواهد شد که البته این اتفاق، در شان جامعه فرهنگی ما نبوده و کتاب و نشر این کتابفروشی می‌افزاید: نمی‌توانم گویم که

**زندگی**

مجرای جوانان



### از چشم یک مترجم

خواندن و توشن از دویزاب یا پش همراد بوده است اما در گذر زمان، شیوه‌های متعددی به خود پیرفته است. امروزه خدمات گسترده‌ای که در حوزه نشر انجام می‌گیرد، در واقع پراکنش از گذشته‌ای فرهنگ‌مدار است. از جمله‌ای که نویسنده یا مترجم تصمیم می‌گیرد کاری را آغاز کند تا حکایتی که اثر محبوب، روی پشخوان کتابفروشی آثار او می‌گذرد، حاصل عملیاتی نمی‌شود که عظیم‌ترین نمایشگاه از جنبه‌های مادی، وقت و… نهایتاً به نتیجه‌ای قابل قبول ختم می‌شود و یا تولد یک کتاب، اندیشه‌ای به ظهور می‌رسد.

دکتر میردخدا احمدی از اهل قلم پیشروان ملای است که تا به حال، آثاری توسط وی ترجمه شده است. مترجم در حوزه کتاب‌های پزشکی قلم می‌برد. احمدی کتاب «رمانولوژی» نوشته «سبیل و هاریسون» را ترجمه کرده است. چندی اثر دیگر نیز توسط این مترجم برگردان شده که در حوزه کتاب‌های پزشکی است. با وی درباره وضعیت کتاب و مطالعه در شهرش به گفت‌وگو نشستیم که در پی می‌آید:

**جرعه ورودند به عرصه کتاب و نشر چگونه ایجاد شد؟**

سال‌ها در درس با کتاب دانشجو نشون دوستان و کسانی که روزی از من، به این عرصه وارد شده بودند، در ایجاد این حوزه بیان تأثیر نین، اما من سرفرازخیم می‌کنم و اساساً تک تخصصی پزشکی را مورد توجه قرار می‌دهم. یادگیری که به زبان انگلیسی دارم.

**پس قبل از اینکه به صورت پزشکی به دامغان وارد شوید، یک پزشک بودید.**

از سال ۹۵ که در رشته پزشکی به دانشگاه علوم پزشکی مشهد راه یافتیم، قدم‌های اولیه برداشته شد. فارغ‌التحصیلی من در رشته پزشکی از اعطای دکترای طب و سپس شروع کار طبابت در ملای توأم بود که بعدها با همکاری انتشارات عرفان کتاب رومانولوژی را که برگرفته از مباحث رومانولوژی تک کلمه اثر طب داخلی هانسون و همسرش ابراهیم طبیب (۱۹۵۸) بود، ترجمه کردیم. البته در سال گذشته نیز انتشاراتی تیت چند از دوستان در همین زمینه انتشاراتی کتابی در ارتباط با بسیاری زنان و زایمان ترجمه و منتشر کردم.

هیچ یک از دامغانی‌ها کتاب نمی‌خرند، چرا که اصولاً چنین چیزی امکان ندارد. اما علاقه‌مندی چندانی برای کتاب وجود ندارد که فروشندگان، به عصبانیت خود، دنگرم باشند.

وی می‌گوید، یک کتابفروش جوان می‌توانم که به خاطر عقلی که دارد، در آغاز کارش تشویق شد تا کتابخوانی را باورنی زدن چند جلد کتاب شروع کند، در حال حاضر این جوان، توانسته است به مدارج مهم تحصیلی و دانشگاهی دست یابد و در اوقات بیکاری، به همان معززه کوچک برود

کتابی را مشتری رد و بدل نمی‌کند، این کتابفروش در توضیح وضعیت کتابخوانی و حوزه علاقه مخاطبان به کتاب، تصریح می‌کند، این کتاب‌های ادبیات، سیاسی، طنز، بیشترین فروش را در دامغان دارند و می‌توان گفت که مخاطبان این نوع کتاب‌ها، بیشتر از میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان هستند.

این کتابفروش می‌افزاید: کتابفروشی‌ها، بیشتر از میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان هستند. این کتابفروش در توضیح وضعیت کتابخوانی و حوزه علاقه مخاطبان به کتاب، تصریح می‌کند، این کتاب‌های ادبیات، سیاسی، طنز، بیشترین فروش را در دامغان دارند و می‌توان گفت که مخاطبان این نوع کتاب‌ها، بیشتر از میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان هستند.

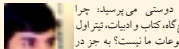
وی می‌افزاید: کتابفروشی‌ها، بیشتر از میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان هستند. این کتابفروش در توضیح وضعیت کتابخوانی و حوزه علاقه مخاطبان به کتاب، تصریح می‌کند، این کتاب‌های ادبیات، سیاسی، طنز، بیشترین فروش را در دامغان دارند و می‌توان گفت که مخاطبان این نوع کتاب‌ها، بیشتر از میان نسل جوان، به ویژه دانشجویان هستند.

**ملای**

**یادداشت**

حسین خرنجو

### همان حکایت همیشگی!



دوستی می‌پرسید: چرا هیچ‌گاه، کتاب و ادبیات، تیر اول مطبوعات ما نیست؟ به جز در مواردی خاص… مثلاً در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب و هفته کتاب، نشریات برای یک روز شدن،

در برخی از صفحات خود، به طرح بعضی از مباحث این حوزه می‌پردازند که ممکن است بخشی از مطلب یا تیزر آن در جایی از صفحه اول نیز ممکن شود، حرف‌های او که ادامه پیدا کرد، دانغو، کاغذ، موضوع پرلیم حساس تر شد. احساسی کردم که این شکوه به جایی او، حرف بسیاری از اهل هنر و نظر است که سال‌هاست از نظر ما و تریون‌های مختلف گفته می‌شود اما نگاه من و شمای مخاطب، در طالع‌مطلب، بیش از آنکه به مطلب و جوهره کلام گریخته باشد، متوجه تریونی بوده که صدای گریخته را به مارسله است. پس آن را بیست‌به جریانی خاص دانسته‌ام. لیم…

دوست من، به اینجای مطلب که رسید، مشتکش قدری درآلود شد. حس کردم ما همه وجودش گله می‌کند که فقط در یک صورت نام اهل کتاب، بر سر زبان‌ها می‌آید و تصویر گریبایی از آنها در صفحات آغازین مطبوعات جاحوش می‌کند. فقط مرگ‌اوقتی روزگار زبستن و گریستن آنها بر سر آید، اینجاست که دوستان مطبوعاتی دریگیری و انعکاس خیر را بدستگیر می‌کنند. شاید به این دلیل که به اصطلاح ژورنالیستی، خرنجو نرسود

البته در حال حاضر، کمتر روزنامه با نشریه‌ای را می‌توان نام برد که به کتاب و اهل آن بپردازد و یا شاعر، نویسنده و پژوهشگری به گفت‌وگو بپردازد. اما وفق امر این است که نداشتی‌به موقعیتی مطلوب، دانش و سبیل‌رسان است و اطلاع‌رسانی به موقع در کتاب و نشر، حال‌اهل فکر، موضوعی است که بازماند توجه بیشتر رسانه‌های ماست.

کمبود تریوهای متخصص و کتابشاس در مطبوعات نیز از دیگر مشکلات موجود این عرصه است.

حضور کسانی که خود، اهل قلم و کتابند در مطبوعات باعث می‌شود که چند اتفاق مثبت بیفتد. اولین اتفاق حضور کارشناسی فرد در میدان عمل است. او پهنر از سایر همکاران خود که صرفاً کارخبری می‌کنند و البته آن حوزه هم تخصص مجزا و مربوط به خودش را می‌طلبد، تشخیص می‌دهد که انتشار و گزارش یک اثر، کمبود، با چه مسائلی روبروست. او شناسنامه کاری قریب به اتفاق اهل قلم را در حافظه خود دارد و… اما متأسفانه کتاب‌ها هنوز در اولویت کاری برخی از نشریات ما نیست. احتمال گل‌برگ از نشریاتی که به لحاظ شناخت حرفه‌ای‌اشان از فرهنگ و جامعه، جمعیت از نویسندگان را به صورت جدی در نظر گرفته‌اند و هر دو طرف از این تعامل فرهنگی، فایده می‌برند. آیا بشاً مردم فریخته که به عنوان مخاطبان اصلی کتاب در ایران، همواره مورد احترام هستند.

چسباً نویسندگان که کتاب‌هایی که در سطح جهانی نوشته‌اند، به زنده‌هایی دست یابند. اما بیشتر، در هیچ‌یک از مطبوعات، از چند مترجم غلط‌طی‌وار آن نیز، سهواً یا عمدتاً درج شده است. تا آنکه بر استقبال جمعی، می‌توان گفت که درخشش یک نویسنده و کتاب در سطح جهانی، بیش از آنکه توجه فردی دانسته باشد، به تقویت منابع ملی می‌انجامد و موقعیت فرهنگی ایرانمان را در سطح بین‌المللی، ارتقا می‌بخشد. اما همین موضوع نیز گاه به هفتفت، از نظر می‌گذرد و پهنانه‌ای برای ورود به حیطه میاست تخصصی و نراغ‌های بی‌اساس می‌گردد که به گمان من، برای پرداختن به موقه‌ای اهل کتاب و فرهنگ، برای شناساندن به موقع یک اهل کتاب و فرهنگ، به جامعه و تشویق ابوری‌احمدی به مدارج بالاتر و بالاتر، ممکن است روزی دیر شود. با تقدیر دیر که…

کتابخانه شماره ۱۳۲، شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۲













## گفت و گو

حسن ظهیری

# بازخوانی آرای هابرماس

## در گفت و گو با دکتر حسینعلی نوزری

آراء و اندیشه‌های هابرماس هنوز هم در ایران با دوگانگی‌های بسیاری طرح می‌شود. در حال حاضر هابرماس به عنوان یکی از بزرگترین جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان اجتماعی و فلاسفه غرب شناخته شده است، در حالی که در ایران هنوز با آرای جامعه‌شناختی هابرماس آشنا نیستیم. دکتر حسینعلی نوزری که پیش از این او را با ترجمه و چاپ آثار فلسفی معاصر (پست‌مدرن) می‌شناخیم، این بار دست به تألیف کتابی درباره هابرماس تحت عنوان بازخوانی هابرماس زده است. این کتاب از سوی نشر چشمه به بازار کتاب راه یافته است. با او در این باره گفت‌وگویی انجام داده‌ام که می‌خوانید.

**چطور شد که به فکر نوشتن کتابی درباره هابرماس افتادید؟**

داستانش به سال‌های دوران تحصیلات فوق لیسانس برمی‌گردد؛ زمانی که تصمیم داشتیم تا موضوعی برای پایان‌نامه انتخاب کنیم. بر اساس وسوسه‌ای که داشتیم سعی‌ام بر این بود که یک کارنو، سخت و اجتنابری باشد و باخط‌سلاج رس مرا بکشد. به خاطر همین برای انتخاب موضوع با استادان آقای دکتر بشیریه مشورتی داشتم و ایشان نیز چند موضوع به من پیشنهاد دادند، تا اینکه این موضوع را پسندیدم. من به این کار از شروع کردم از هابرماس به زبان فارسی چیزی موجود نبود و به زبان انگلیسی هم اگر بود خیلی کم به دست می‌آمد. کارم را در سال‌های ۶۷ تا ۶۸ آغاز کردم و بعد به‌وسیله کتاب، مقاله و منابع دیگری که از این طرف و آن دفاع کردم. اما بعد تصمیم گرفتم که آن را از حالت رساله‌ای خارج کنم و به صورت یک کتاب بنویسم. در کنار این تصمیم هر چه که پیشتر می‌گذاشت بیشتر با روایای فکری، فلسفی، اجتماعی و سیاسی هابرماس آشنا می‌شدم و این همراه بود با منابع بیشتری که از هابرماس به دست می‌آوردم شامل آثار هابرماس، گفت‌وگوها، مقاله‌ها و نیز آثاری که درباره هابرماس نوشته شده بود، تمام اینها من را وسوسه کرد تا با صرف وقت زیاد و در فرصت فراوان روی این موضوع کار کنم و در نهایت کتابی در این حجم و اندازه تحویل ناشر بدهم. چیزی در حدود ۱۴ هزار صفحه فیش برداری کردم که هنوز هم ادامه دارد. حاصل کار پس از چند سال کار مداوم و دو سال کار مستمر که در سال‌های ۸۰ تا ۸۱ بود اینکه به پایان رسید. البته این بخشی از کار است و بخش دیگری که تقریباً به همین اندازه است و فیش برداری‌های آن هم انجام شده و فقط مانده که آن را بنویسم. تیریه آن اضافه خواهد شد.

**برای مقاله دوم چه عنوانی را انتخاب کرده‌اید؟**
فراوندیش بازآبادی‌کنی هابرماس گذاشتم. در راستای تکوین جلد اول که باز عنوانی هابرماس است. مشخصه اصلی هابرماس در متون فکری و اندیشه چیست؟ آیا او یک فیلسوف است یا یک جامعه‌شناس و یا یک شخصیت سیاسی؟

به قول خودتان هم فیلسوف است، هم جامعه‌شناس و هم سیاسی. من فکر می‌کنم که اینها یک مثلث را تشکیل می‌دهد که هر سه ضلع آن در شخص هابرماس جمع است. می‌توان گفت هابرماس یک جامعه‌شناس است، وقتی که به بحث رایج به منطقی و جایگاه علوم اجتماعی می‌پردازد یا بهتر بگویم بحثی که در خصوص نظریه‌های جامعه‌شناسی دارد و از کسانی چون دورکیم، وبر، یازسونو، نژر و دیگران صحبت می‌کند؛ و منطق و هیمنی که در باسازی آرای جامعه‌شناسی از قرن نوزدهم به این طرف در غرب دارد و بحث اساسی که در خصوص جامعه‌شناسی مارکسیستی یا جامعه‌شناسی نظریه انتقادی صورت می‌دهد. با مطالعه آثار هابرماس متوجه این موضوع می‌شویم که وی به‌طره‌های جامعه‌شناسی گذشته، سنت نظری و تحلیلی جامعه‌شناسی غربی بخصوص جامعه‌شناسی آلمانی یا جامعه‌شناسی انگلو ساکسونی، آمریکایی احاطه جامع و کاملی دارد و به‌وسیله این آرا منتقد جدیدی را در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

بنیان می‌نهد. از طرف دیگر وقتی که به بحث و بررسی در ریشه‌های فکری و فلسفی و زمینه‌ها و بستریهای فکری و عقیدتی و باسترهای ایدئولوژیک و فلسفی قرن حاضر می‌پردازد و زمانی که به تبیین و تشریح مفهوم صوربتندی مدرنیته به عنوان یک پروژه ناتمام می‌پردازد و هنگامی که این پروژه را بر اساس آرای کانت، هگل، نیچه، هایدگر و دریدا و افکاری می‌کند و آن را به عنوان یک گفت‌مان فلسفی ارائه می‌دهد، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خودش را در مقام یک فیلسوف و در مقام یک تحلیلگر معضلات و گرگ‌گشای بیخ‌ها و گرگ‌های فلسفی‌ای که انسان عصر حاضر با آن مواجه است، نشان می‌دهد. و بالاخره زمانی که به بررسی و ارزیابی جریانات و مسائل سیاسی و حوادث سیاسی روز، از جریاناتی چون جنبش کارگری یا جنبش دانشجویی در سال‌های دهه ۶۰ در فرانسه و آلمان، تا اقداماتی که در همراهی با خواست‌ها و داعیه‌های هنجاری و ارزشی جریانات جدید تحت عنوان گروه‌ها یا جنبش‌های اجتماعی جدید مثل سبزها، مثل طرفداران صلح، یا طرفداران خلع سلاح‌های



## هابرماس را باید در یک بستر یا فرایند تکاملی – تحولی بررسی کنیم

هسته‌ای و همدلی که با آنها نشان می‌دهد، و همین‌طور مشاوره‌هایی که در بزانه‌های سیاسی مختلف روز برای اسزواب و گروه‌های فعال سیاسی و راهمنشایی‌ها و رهنمودها و راهکارهایی که در عصرهای مختلف سیاسی اعم از مخالفت یا جنگ و ضدیت یا نظام‌های سیاسی استبدادی و حتی شرکت در راهپیمایی‌های صلح و راهپیمایی‌های اعتراضی، می‌بینیم به عنوان یک فعال سیاسی مطرح است. اما اکثبر سیاسی‌ای که مثل افراد سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ تحت تأثیر اندیشه‌های ایدئولوژیک قرار ندارد و بیشتر متأثر از یک سری اندیشه‌های کلی و عام انسانی است و همین خود بیانگر آن تحول و تغییری است که در موضع‌گیری‌های فکری و فلسفی و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک هابرماس به وجود آمده است.

**وقتی که می‌گوییم هابرماس به مدرنیته تعلق دارد یا تفکهای صریح و آشکار و با پروژه مدرنیته به عنوان یک پروژه ناتمام مواجه می‌شویم، در حالی که او را یک اندیشمند مدرنیته می‌دانند. از این جهت نگاه به او به عنوان یک اندیشمند پست‌مدرن هم کمی دور از واقعیت است زیرا در آنجا نیز با تفکهای صریح و آشکار وی درباره پست مدرنیته و جریاناتی به این نام مواجه می‌شویم که در آنها تحت عنوان **بملاحظه‌کاران جوان****

یاد می‌کنند. به نظر شما هابرماس به کدام دوره تعلق دارد؟

هابرماس را باید در یک بستر یا فرایند تکاملی – تحولی بررسی کنیم. ما زمانی هابرماس را به عنوان یکی از مدافعان و یا سخنگویان سرسخت مدرنیته می‌دانیم که مدافع اصلی پروژه روشنگری کانتی است و ادامه آن را می‌بینیم که در اندیشه‌های اقتصادی و اجتماعی مارکس نیلورید پیدا می‌کند و در آنجا هابرماس خودش را یک اکتبر سیاسی ملزم به این برنامه‌ها و پروژه‌ها می‌داند و وقتی که یک سری حرکت‌هایی در نفی این پروژه صورت می‌گیرد، او با صراحت بنا بر تعهداتی که نسبت به پروژه روشنگری و برنامه‌های آن در قالب سوسیالیسم مارکسیستی و بخصوص ماتریالیسم تاریخی دارد و تلاشش که در جهت بازسازی ماتریالیسم می‌کند اعلام می‌کند که این پروژه (مدرنیته) پروژه‌ای نیست که دوره‌اش سر آمده باشد. اما هنگامی که همین فرد پروژه ناتمام مدرنیته را در راستای حرکت‌ها و تحولاتی مبین در صف جریاناتی چون مکتب فرانکفورتی‌ها قرار می‌دهد، یعنی آن تغییری که در دیدگاههای کسانی چون هورکهایمر، آدرنو و دیگران صورت می‌گیرد، او هم به تبع همین تحولات آن پایبندی و باصبرا و ابرامی را که در مدرنیته به عنوان تنها راه حل داشت و به عنوان پروژه‌ای که در آن تمام مضامین و مفاهیم مورد نیاز وجود دارد و به آن می‌شود به شکل یک عصبه کمک‌های اولیه نگاه کرد که می‌توان از درون آن هر چیزی را درآورد. اعتقاد خودش را تعدیل می‌کند. به آن به عنوان یک گفت‌مان فلسفی نگاه می‌کند. هابرماس در بها قائل شدن برای مدرنیته به نقد از درون مدرنیته و واکنش شدید برای دیدگاههای انتقادی کسانی چون واتر بنیامین، هورکهایمر و آدرنو که این اواخر کاملاً در پایبندی‌های الزامات خود به ایدئولوژی‌های ارتدوکسی جدید نظر بودند، معتقد است. مضاف بر این، وی با توجه به نگرش‌هایی که به نقد و انتقاد درونی مدرنیته می‌پردازند بخصوص آن مفاهیمی که در راستای آموزه اوبری، در خصوص تحول عقلانیت انتقادی و به عقلایت ابزاری و تبدیل عوالم زندگی و عمل رهایی‌بخش به حوزه عوالم سودجویانه یا حرح و تقلیدهایی در دیدگاههای خود نیز به وجود می‌آورد و از این زاویه به اصلاح نگاه خود به مدرنیته می‌پردازد ولی در عین حال به طور جدی خودش را ملزم به پاسخگویی به انتقادها و تردیدهای شالوده‌شکنانه و تعریض‌ها و چالش‌هایی که پست مدرن‌ها و یا پسا ساختارگرایان علیه آموزه‌ها و مضامین فلسفی مدرنیته به عمل می‌آورند، می‌داند. قطعاً در اینجا آن انتقادهایی که هابرماس از درون به مدرنیته دارد، سببش یا نفی آموزه‌ها و مضامین کلی و زیربنایی مدرنیته جداست. او به چالش در برابر آن نفی شالوده‌شکنانه و بنیان‌شکنانه و باخط‌سلاج ضد ماهیت گرایانه یا ضد جوهرگرایانه (anti- essentialism) می‌دهد، بنیادگرایانه‌ای که پست‌مدرنیته‌ها صورت می‌دهند، می‌پردازد و سعی می‌کند که آنها را نفی کند. در این جا وی به وجود حقیقت و راههایی برای شناخت حقیقت می‌پردازد و سعی می‌کند که آنها را نفی نکند. در این جا وی به وجود حقیقت و راههایی برای شناخت حقیقت و وجود جوهر اساسی یا ماهیت بنیادین، برخلاف آنچه اورتوی و ادریاده و دیگران به عنوان ضد ماهیت‌گرای مطرح می‌کنند، معتقد است.


در مقابل آن ضد بنیادگرایی (anti- foundationism)

که درینا طرح می‌کند. هابرماس به بنیادهای معتقد است. در مقابل نفی مبنای شناخت و نظام معرفتی واحد و وجود مبنای هستی‌شناسی واحد که پست مدرن‌ها حمله می‌برند، به دفاع بر می‌خیزد و به این مضامین و مبانی تأکید مجدد می‌ورزد. بنابراین، هابرماس ضمن اعتقاد به پروژه ناتمام مدرنیته آن را به صورت یک گفت‌مان فلسفی درمی‌آورد که در واقع بستر نظری و تحلیلی صوربتندی عظیمی است که طی سه قرن اخیر یعنی از قرن هجدهم به این طرف بنا و اساس تفکر فلسفی غرب بر آن استوار بوده است. البته هابرماس بحث‌های پست مدرنیته‌ها را در همه موارد رد نمی‌کند و در بعضی موارد آنها را می‌پذیرد مثل بحثی که در خصوص پلورالیسم دارند و با بحثی که به پست مدرنیته‌ها درباره شک انجام می‌دهند.

**در کتاب به نکته جالبی برخوردیم و آن مارکسیسم بدون پروتاریا بود که هابرماس به آن معتقد است. کمی در این باره صحبت کنید.**

طرح مارکسیسم بدون پروتاریا را در واقع هورکهایمر و آدرنو ارائه کردند. مارکسیسم بدون پروتاریا در حقیقت بیانگر یک روند، تکامل و گرایش به اندیشه و با نیا‌های بازآبادی‌کنی در مارکسیسم غربی به مارکسیسم آلمانی است. ما بتدریج در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی شاهد تغییرات و تحولاتی هستیم در راستای بنای یک ساختمان یااعدات جدیدی در مبنای اساسی آموزه‌های مارکسیستی که در این بنا جایگاه هر امری را سعی دارند از تو مشخص کنند. یعنی جایگاه و نقش و اهمیت یا اعتبار مفاهیمی چون زیربنای- روبنای اقتصاد، شیوه تولید، روابط یا ماسایات تولید، فرهنگ ایدئولوژی، تضاد، آگاهی، طبقه و مبارزه طبقاتی، پروتاریا، بورژوا و امثال آن. گویانکه این حرکت در سال‌های دهه پنجاه و شصت در قالب نظریه انتقادی به بار می‌نشیند. در نظریه انتقادی تضاد اصحاب مکتب فرانکفورت ما شاهد یک نوع گرایش و تعهد به سمت این نوع مارکسیسم بدون پروتاریا هستیم. مارکسیسمی که دیگر با پروتاریای سنتی کلاسه کربن قرن نوزدهمی مورد نظر مارکس و سوسیالیست‌های ایدئیکال آن ایام به عنوان عامل و کارگر انقلاب سوسیالیستی یا سرمایه‌محرک انقلاب‌های اجتماعی در نظام‌های سرمایه‌داری صنعتی نمی‌نگرد و از این منظر روی آن حساب باز نمی‌کند. بلکه به جای پروتاریا به عوامل و کارگران متنوع دیگری نظر دارد.

این نوع برخورد در با ساززانه (reconstructive) هابرماس را با کل پیگره مارکسیسم و پروژه با پارادایم تکامل اجتماعی آن (مراحل عمده تاریخ تکامل اجتماعی) یعنی ماتریالیسم تاریخی نیز شاهد هستیم. برای مثال هابرماس ضمن بازسازی این پارادایم در کتاب ارتباطات و تکامل جامعه و به رغم آنکه بخش‌های مفصلی رابه ماتریالیسم تاریخی اختصاص داده است، اما این ماتریالیسم تاریخی بازسازی شده را با ماتریالیسم تاریخی مارکسیسم ارتدوکسی متفاوت می‌داند.

در مارکسیسم بدون پروتاریا این تریا فرضیه که باید با انکا به طبقه پروتاریایی که تضاد آشکار با بورژوازی صنعتی دارد، دست به انقلاب مارکسیستی زده، دیگر جایی اعتباری ندارد. در واقع آن جایگاه و





## گفت و گو

زهرا حاج حسینی

**گفت‌وگو با فتح‌الله شجری مدیر انتشارات انجمن قلم ایران**

## کم سابقه در تاریخ شمارگان کتاب ایران

طرح‌هایی که در این زمینه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابراج شده بود، دیده‌بوم اغلب این طرح‌ها بر تأسیسات کتابخانه‌ای و دسترسی آسان به کتاب تکیه داشتند. اما من در مطالعات خود به این نتیجه رسیدم که بسیاری اوقات کتاب در دسترس افراد است، اما آنها علاقه‌ای به مطالعه آن ندارند، دلیل آن شیوه نامرست مطالعه در افراد بود که به‌عنوان افراد با آن مطالعه سرد کردیم. پس ما به‌ریشه اصلی رسیدیم. در بحث نظام مطالعه مبحث مهم این نکتات را مدنظر قرار دادم که آنچه موجب علاقه فرد به مطالعه می‌شود این است که موضوع را بپسند. بر همین سنناگر شیوه مطالعه از دوران تحصیل به‌گونه‌ای تدوین بشود که فرد یا یک بار یادگیری مطلب را کاملاً فراگیرد و آن برای بارهای طولانی مدت به‌خاطر سپارد، می‌تواند به مطالعه علاقه‌مند باشد. برای رسیدن به نتیجه درست، آزمایشاتی نگری در سطوح مختلف انجام دادیم.

این آزمایش‌ها برای معلمان حوزه‌های علمیه، معلمان و استادان دانشگاه انجام شده تا آنجا که به‌زعم خود می‌تواند آشنایان با برگزاری یک دوره آموزشی بود. از نظر ما مدرسان و محصلان باید مطالعه خود را بر مبنای اصول اخلاق یادگیری انجام دهند تا فرد از زیاریهای اطلاعاتی که به‌خاطر سپرده مطمئن شود و بتواند در تولید نوین اخلاق داده‌ها نیز آنها را به کار گیرد و این همه باید سبب عملیات ذهنی آموزشی که در آن نیکو، راست، مفیدال می‌شود، امکان‌پذیر شود.

اگر این طرح این اندازه، فراگیر و موفقیت‌آمیز بوده، چگونه می‌شود شد و امروز هر کف از دولتی‌ننده و امروز اگر قرار باشد اجرا شود امکانات اجرایی آن چیست؟

ما طرح پژوهشی یادگیری اخلاق را ارائه دادیم. این طرح باید ۹ ماه اجرا می‌شد تا نتایج آن حتی با شیوه‌های یادگیری غربی مقایسه و نتایج آن بررسی شود. البته این طرح به آموزش و پرورش ارائه شد. چندین دوره کارشناسی هم برای کارشناسان آموزش و پرورش گذاشته شد و چند مؤسسه آموزشی دیگر که مرتبط با مسائل بینه‌سازی آموزشی و اداری بودند، اسم از دانشگاهها و دیگر مراکز دولتی و غیردولتی نیز با ما ارتباط برقرار کردند. ما نیز آمار دیگری خودمان را برای ارائه طرح و بررسی نتایج اعلام کردیم.

**اساس این طرح چیست؟**
این طرح بر اساس نظام سلسه است که البته کمتر از سه دهه‌ای از تحقیقات دنیا بر اساس این نظام است. اما طرح ما نشان داد که آموزش و یادگیری بر اساس این نظام کاملاً عملی و امکان‌پذیر است.

ما همزمان با این طرح، دوره‌های آموزشی در مراکز

### رسالة ۵۱

### دومین شماره فصلنامه باران منتشر شد

دومین شماره فصلنامه باران به سردبیری بهزاد کشمیری‌پور منتشر شد.

انتشار نخستین شماره فصلنامه باران که مورد توجه جمیع کزیری از ایرانیان مقيم خارج از کشور قرار گرفت و آنها که در داخل از هر طریق توانستند آن را دریافت و مطالعه نمایند، نیز آن را ستودند. نشانه تلاش جدی دستوران ادبیات فارسی در خارج از کشور برای ایجاد فضای علمی، صمیمی و کاملاً تخصصی در حوزه شعر و داستان فارسی است و اینکه دومین شماره این فصلنامه نیز منتشر شد.

بهزاد کشمیری‌پور در حاشیه‌ای بر اصل، که یادداشتی است از سوی سردبیری می‌نویسد:
مانند همه نگران گرفت و در این زمان جایگاه آثار ادبی بدیدامند در خارج از کشور همچون دیگر پدیده‌های مهاجرت موضوعاتی هستند که درباره آنها تازه آغاز شده است.

چنگ‌اها و مباحث‌ها و درون شدن از اصل و چرخیدن در حواشی است. آنچه به این مضامین می‌افزیند و اندیشه خود را متکثر می‌کند به این خواسته چندان اهمیت نمی‌دهد و اصل را فدای آن نمی‌کند.

این فصلنامه فرهنگی و هنری در شمارهٔ اخیر خود بخش‌هایی تحت عنوان شعر، داستان، مقاله، گفت‌وگو و نظرخواهی، نقد، بررسی، مطالب آموزشی، تفریحی به قلم ملاق آن امیدوار طاهر، تقی‌زاد حسینی، حسین جواهری، فرهاد قزوینی، محمد غری، محمود آهالی، ناصر باگامی، حسن شهید تهرانی، رضا باگامی، سردبیر شاملی، محمدرضا شاملی، آید سبزه، شهرنوش پارس‌پور، بهروز شیدا، حمیده خانیانی، طاهر سنگالی، مهستی شاعرخس و کرنا اسفندیاری و نیز گفت‌وگویی میان چنگیز پهلوان و ماشاالله آجودانی را در خود داده است.

این فصلنامه که به همت ایرانیان مقيم خارج از کشور و از سوی نشر باران منتشر می‌شود، مطالب خود را تنها به نویسندگان خارج از کشور اختصاص داده و بازتاباتی که با نویسندگان داخل کشور دارد، جاری مطالبی از آنان نیز هست.

نشانی اینترنتی باران از این فرآست: [www.behzadKeshmipour.com](http://www.behzadKeshmipour.com) و سایت [www.keshmipour.com](http://www.keshmipour.com)

متعدد برگزار کردیم و حتی گروهی از دانشمندان و اساتید را نیز از، آموزش‌های خود آماده کردیم. اغلب این اساتید در پایان می‌گفتند تا وقتی فرد با این شیوه آشنا نیست، امکانات یادگیری او پایین تر است اما ملاقاته پس از آشنایی با طرح می‌تواند از یک زمان حائز اهمیت‌تری آموزشی را تشکیل دهد.
**دوره‌ها و اجرای طرح در آموزش و پرورش می‌گنجد.**
از او خواستیم ۸۸ پیشنهاد گرفتیم. در آموزش و پرورش داشته‌ایم و جلسات متعددی با مقامات عالی‌رتبه وزارت آموزش و پرورش نیز داشته‌ایم. آنان نیز علاقه خود را برای اجرای این سیستم حتی برای سیستم درسی دانش‌آموزان اعلان کرده‌اند. یکی از اصلی‌ترین طرح‌های ترویج کتابخوانی، طرح کتاب‌گنشی است که آن را نیز خودمان طراحی کرده‌ایم و بر اساس آن هر ماه بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون جلد کتاب تولید و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.



### تأکید طرح یادگیری خلاق بر رشد قوه خلاقه و رسیدن به نقطه‌ای است که مخاطبان لذت حاصل مطالعه را درک نمایند

که با همکاری آموزش و پرورش در سه ماه آینده اولین سری کتاب‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. عنوان کتاب‌ها، متنوع برای افراد با سلیقهٔ متعدد و با اهداف بسزوسازی فرهنگی و بینه‌سازی نظام آموزشی است. این طرح به‌گونه‌ای طراحی شده که پس از امتدادی چندین عنوان راتأمین می‌کند. یعنی کتاب‌های این جاذبه را در این محصلان به وجود می‌آوردند که آنها را بخوانند و مطالعه نمایند.
**فکر می‌کنید در جامعه‌ای که خوانندگانش قاترترین کتاب، است و به این با می‌میلی شدید محصلان به مطالعه کتاب، در شرایطی که آنان بیشتر کتاب می‌خرند و اینبار می‌کنند به‌جای آنکه آن را بخوانند، فرد می‌تواند با خواندن این کتاب‌ها توانایی‌های مطالعاتی خود را بالا ببرد؟**
این کتاب‌ها نظری تدوین شده که در مطالعه کتاب می‌تواند ۹۰ درصد نکتات آموزشی را دریافت کند. ضمن آنکه در دوران مدرسه این آموزش‌ها از طرف مدارس نیز به دانش‌آموزان منتقل می‌شود و افراد آژاد نیز می‌توانند هر کجا که به مشکل برخورد کردند، با این کتاب‌ها مشکل خود را برطرف نمایند. ما تقریباً برای تمام استان‌ها دوره‌هایی را برگزار کردیم و امیدواریم با کمک آموزش و پرورش این شیوه یادگیری و مطالعه را در کل کشور رواج دهیم.

**تجربه‌ها نشان داده است که آموزش و پرورش در اجرای طرح‌های مطالعاتی بدون مطالعه و کارشناسی دقیق باید طولانی دارد. آموزش و پرورش تجربی‌تری در نظام‌های آموزشی به‌زعم اغلب معلمان و محصلان آموزش و سخته‌تر کرده است و عمدتاً تغییرات کارشناسی مطالعه و آموزش و دروس این سیستم موردی و نامکارآمد بوده است چه ابتدایی برای اجرای این طرح و نتایج مثبت آن هست؟**

تغییرات آموزشی در آموزش و پرورش عمدتاً موردی بوده است بدون اینکه اطمینان کافی از آیندهٔ پروژه وجود داشته باشد. آنان اغلب به اجرای موفق پروژه می‌پرداختند. البته این طرح خارج از روز بخانه طراحی شده و بیش از ۲۰ سال روی آن کار شده است. این طرح تمام روابا را در نظر گرفته و نقطه‌ای نیست که از دید طرح بنهان مانده باشد. ما می‌دانیم این طرح به چه

یادگیری اخلاق و پاسخگویی اخلاق عنوان دو کتاب از پرشمارگان کزیری کتاب‌هایی است که تاریخ کتاب ایران به‌خود دیده است. هر یک از این کتاب‌ها با یک میلیون شمارگان توانسته اند فروش کتاب را در ایران پیشکنند.

بزرگان و افراد فرهیخته صاحب‌آفرینش کتاب‌های اخیر طبعی به نظر می‌رسد اما این دو کتاب بیش از آنکه با خود آموزش سر و کار داشته باشند به شیوه آموزش می‌پردازند.

این دو کتاب از انتشارات انجمن قلم ایران که یک مؤسسه پژوهشی، آموزشی و انتشاراتی است، منتشر کرده است.

آنچه از نام این انتشارات برمی‌آید انجمن قلم ایران‌ها به نظر می‌رسد که در بدو آشنایی با یک ناشر بااست و سوی سیاسی خاصی می‌تواند همین افراد چه فعالیت‌های خود در حوزه نشر کتاب‌های مذهبی داشته است. کار اصلی این نشر کتاب‌های آموزشی و پژوهشی است.

فتح‌الله شجری، کارشناس علوم سیاسی، کارشناس ارشد و روزنظ بنامی و دکتری تحقیقات خودش را معرفی می‌کند. او پژوهش می‌کند، می‌نویسد و در حوزهٔ علمی و دانشگاه تدریس می‌کند.

یکی از طرح‌هایی که نام این انجمن را در محافل آموزشی و تحقیقاتی بر سر زبان‌ها گذاشت، طرح ترویج فرهنگ کتابخوانی بود.

آقای شجری طرح ترویج فرهنگ کتابخوانی از کی شروع شد و امروز هر کف از دولتی‌ننده و امروز اگر قرار باشد اجرا شود امکانات اجرایی آن چیست؟

این طرح را در ارتباط با طرحی با عنوان یادگیری اخلاق از ۲۰ سال پیش آغاز کردیم. یادگیری اخلاق که در عمل از مدت‌های بالادین شمارگان کتاب را در تاریخ کتاب ایران به‌خود اختصاص داد کتاب مرعب و غیردرسی است که به افراد بینه‌سازی شیوه‌های مطالعاتی رامی‌آورد. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۷۷ شمارگان ۱۰۰ هزار نسخه چاپ شد. برای چاپ دوم یک میلیون نسخه آن را آماده کردیم که به همه‌ها یک میلیون یک کتاب رایگان در اختیار افراد گذاشتیم. البته افرادی که میلیون یک کتاب رایگان به دلیل عدم هماهنگی در برخی قسمت‌ها، با مشکلاتی مواجه شد که در نهایت حدود ۳ میلیون به‌پاکتی روی دست ما گذاشت. اما طرح ترویج فرهنگ کتابخوانی به رغم این مشکلات امکان ادامه یافت. در این طرح ما مساحت مختلفی را از رویای مختلف بررسی کردیم. محور اصلی این مساحت رویکی افراد به کتاب بود. بیش از آن عمده



دانش آموز سال های دور

میرم جباری

دکتر غلامحسین صدری افشار از دوران دانش آموزی می گوید

## آن مقاله‌نویس نوجوان

گفت: اما در همین سخنان کوتاه گوئی از تجربه و پیشکار دانش آموزی هفتۀ است که یک‌ته به عشن و علاقه کتاب، چه کارها که نکند در این گفت‌وگو سولات حذف و تنها سخنان جناب صدری افشار آمده است.

می‌گوید:

اما کار بدوم که خواندن و نوشتن را آمونیم تا وقتی بدوم در فید حیات بود کتاب در اختیار داشتم، اما هیچ کدام از کتاب‌ها خاص کردگان نبود هر چه بود فقط می‌خواندم. با عوت بدوم مشکلات من شروع شد. از یک طرف هم نبود پدر و از طرفی دیگر کتابی نداشتیم که بخوانم. وقتی ۷ ساله بودم کتاب کلاس دوم را داشتم ولی حسب اتفاق در خانه‌ای کارنامه‌ها از بین رفت و من ناگزیر مجدداً در سن ۹ سالگی پشت میز کلاس اول ابتدائی نشستم. دراج نهائی‌ام.



دوست داشتم چیزی بخوانم ولی درج از یک کتاب، که گاهی وقتی دانشم چیزی می‌ریخند، مثلاً خرما که در یک لایه کاغذ پیچیده شده بود، و کاغذ جلا شده را کره ای می‌پاشند من کاغذ را صاف می‌کردم و کاغحی به سطرهای آن‌سوی کردم اگر کتابی در آن بود، سعی می‌کردم بیازوم، به یاد دارم که شعر:

دیدم سوسی کج کشتی را به راه، که همی گفت ای خدا و ای اله، تو کجایی تا نوم من چاکرت، چاکرت دوم کنم شاه سرت (از مشرق مولانا جلال‌الدین) را از روی کاغذ جلا شده خواندم و از پرکردم. از هر وقتی برای خواندن و آمونیم بهره می‌بردم. روزی حسب اتفاق فرمانده ارتش شوروی به ارومیه آمد و از مدرسه ما هم بازدید کرد، از من عواست گزارش کتاب‌های را به او بدادم من اینجا به زبان فارسی

دانش آموز دانشم دور این هفته ما دکت غلامحسین صدری افشار است. چه‌باید که در حوزه فرهنگ، نگاری، بخصوص فرهنگ‌های فارسی به فارسی‌بانی مشخصه شده و معیار است و نایب آنجایی‌جکه رفته که فرهنگ تالیفی روی و دو همکار دینوش (علوی‌ها سیرین و سزونا حکیمی) چاپ و به‌خست بخش کتابت کتاب سال را به خود اختصاص داده بود، یک روز یکی هم کاری صدری افشار و همکارانش روزنامه کردن فرهنگ‌های است که خود دست‌انور کار تالیف آن بوده‌اند، به نحوی که پس از آنکه ۱۵سال روی انتشار فرهنگ فارسی امروز گزار کار کرده هر سه تا سال یک بار کتاب و اصلاح‌جات تازه‌ای به فرهنگ اضافه کرده‌اند و در نهایت ویرایش چهارم آن را در جیتی شکیلی و از سوی انتشارات فرهنگ معاصر به بازار عرضه کرده‌اند.

اما کار خوشان‌دیگری که این بین سه نوبه حمدان و همراه انجام داده، به پایان رساندن نخستین فرهنگ فارسی به فارسی مدرسه‌است که تا چندی دیگر از سوی انتشارات فرهنگ معاصر به بازار کتاب عرضه خواهد شد. این فرهنگ به گفته دکتر صدری افشار بیش از ۴ هزار لغت و اصطلاح استاندارد در کتاب‌های دوران دبیرستانی را به شکل اموزی و عبرت و علاسه معنی می‌کند. به تعبیر دقیق‌تر، اگر بسیاری از اصطلاحات موجود در کتاب‌های شبیه، فرهنگ‌های فارسی، تاریخ، جغرافیا، فیزیکی و... را دوباره به‌یادآوری نیاز از این فرهنگ خواهد بود. در هر حال با دکتر صدری افشار و همکارانش سیرین و سزونا حکیمی هم‌زمان با انتشار این فرهنگ فارسی، فرهنگ دیگری که ما در همان‌جا که در این قسمت از وی خواهم از دوران دانش آموزی یاد کردیم.

البته دکتر صدری افشار همان‌تکه همیشه اظهار قوتی کرد و از ما عواست که یاد هم‌کارش گفتند و گفته که این فرهنگ را از آغاز هم کرده‌اند، دوران دانش آموزیشان و به‌ویشتان در این زمینه صحبت کنیم. بخصوص که یکی از این دو هم‌سوی حکیمی اصمعی ادبیات هم بوده‌است و می‌تواند به‌ویژه در یاد و درجه کتاب و کتابخوانی و در دلداری و اخلاص‌ها با کارها.

در هر حال دکتر صدری افشار اگر چه کوتاه و مجمل سخن

دانش آموز سال های دور

میرم جباری

دکتر غلامحسین صدری افشار از دوران دانش آموزی می گوید

شروع به صحبت کردم، اما می‌گفت: ترکی را می‌فهمد و از من خواست که به ترکی سخن بگویم. من هم گزارش را با زبان ترکی بیان کردم. فرمانده وقتی شنید خوشحال شد. بعد از گذشت یک- دو ماه بدیم یک سسته کتاب‌های داستانی و شعر ترکی بریم آمده‌است. من وقتی کتاب‌ها را دیدم سر از نامی نشناختم، امیرتقیان من مردم می‌خوانی بودند. من کتاب‌ها را برای آنها هم می‌خواندم. آن کتاب‌ها علاقه من را به شعر و خواندن و نوشتن بیشتر کرد. در آن زمان که حکومت آذربایجان تشکیل شد چه‌جاها نوشتن می‌کردند به خواندن و مطالعه.

سال ۱۳۲۷ من تقریباً ۱۳ ساله بودم، مقاله‌ای درباره وضعیت بچه‌های پرورشگاه نوشتم که در روزنامه چاپ شد. آن مقاله توجه مدیر روزنامه که حسین تیرویی معروف به میرزا حسین فشانگی چی در را به خود جلب کرد. میرزا با مجاهدان مشروطه بود. از خواندن مقاله متعجب شده بود. نگاه بازرس شده بود که من مقاله را نوشتم، گفت: خوبت مقاله را نوشتی؟ گفتیم: بله! گفت: باز هم می‌توانی بنویسی؟ گفتیم: بله! میرزا از من عواست چند سطر بنویسم. و من نیز چند سطر در وصف خود وی نوشتم. با تعجب نوشته را خواند و بلافاصله گوشش تپش بر داشت و به لهجه ترکی غلیظ گفت: یا ای‌چا، بعد از چند لحظه بدوی قایلند. وارد اتاق شد و میرزا نوشته من را به او داد. اشاره‌ای به من نکرد و گفت: او این مطلب را نوشته‌است. مرد اینجا بارش نشد. اما وقتی میرزا گفت که مطلب را بخون خوش نوشته‌ام، سری

به نشان تحسین نگاه داد. آن مرد میرزا محمد نجفی‌تکی کلانشناس معروف آن زمان بود که مراد انجلی از کتاب‌اشدا کرد. به این ترتیب، من در روزنامه شروع به کار کردم. بعد از اینکه وارد مدرسه معروف دووس می‌ترتیرم، وضعیت کسی فرق کرد. معلمان مدرسه به ما کمک می‌کردند و ما نماینده‌ها و سخنرانی‌های متعدد را انجام می‌کردیم.

از همه مهمتر کتاب‌های خوبی در اختیار قرار می‌گرفت که حتی شب آن‌ها هم نمی‌خوابتم. دست از خواندن آنها بردارم. یاد است وقتی کلاس هنرم دوم روزمحتاج کتاب «اوشنه‌های خنشین» را خواندم و وقتی کلاس ششم بودم نیز در روزمحتاج کتاب نیویان ریکترو هرگو را می‌خواندم و همین گونه ادامه داشت تا این امروز که همچنان کتاب می‌خرم.

### پیشخوان

سام پورمحمدی

طنین

رویا صدر

### در سایه روشن کتاب – متاب – ۳

یا تو- یا هیشتی (مجموعه شعر)

مجموعه شعر ایات نو - یا هیشتکی، در قالب ۲۵ صفحه شامل روی جلد و صفحه ۲۰ به بازار آمد. اشعار این کتاب به شیوه‌ای نو با روایتگر به مضامین عاشقان و عارفانه و زیست سیاسی و فکری و فرهنگی و اقتصادی و زیست محیطی به کلیه مسائل عاضی بشری می‌پردازد و تمامی آنها را گاه به صورت مجزا و گاه در هم، به زبان ساده و عامیانه و همه کس فهم رقع و رجوع می‌نماید. نویسنده، در قید و بند قالب و سبک زبان و املا و انشای نیست و بیشتر در صدا القای مفاهیم بکر و دست و پا نخورده در راستای غلبان و جوشش شدید و غلیظ احساسات صادقانه و عارفانه می‌باشد. که از طریق کشف و شهود به آنها دست پیدا کرده است. عنوان برخی از شعرها از این قرار است:

ایس تریست، دیگه می‌وارم کنار،
دیگه نه من، نه توه،
فهر تو را زور قیامت،
و...

در قسمتی از شعر زیبای «دهنتمو می‌کنی» می‌خوانیم:

می‌ری تو جوب تا انتها فقط به خاطر من

منم می‌کم سرده هو فقط به خاطر تو

دهنتمو کی می‌کنی فقط به خاطر من

منم باهات لج می‌کنم فقط به خاطر تو...

این کتاب که به چاپ بیست و چندم رسیده است، از حالا از سوی بیستگان شبیه و نسبی نویسنده و دیگر صاحب‌نظران ادبیات جهان برای جایزه نوبل پیشنهاد شده است ولی نویسنده کتاب صمیمانه اعتقاد دارد که احساسات و عواطف هفتۀ درجای کتاب نیاز ترجمه پذیر نبوده، گرمای ناشی از جس و حال و هوای اشعار، در سبوت بر ترجمه، بیخ کرده

و از ذهن می‌افتد.

**ویرگول نقطه، کاما، گیومه و کلیه علائم (مجموعه شعر پسرمدان)**

چاپ اول مجموعه شعر «ویرگول، نقطه، کاما، گیومه و کلیه علائم» دستوری دیگر سرخط تا اطلاع ثانوی، در ۳۰ نسخه به خرج مؤلف به بازار کتاب سرزایز شده است. مؤلف در مقدمه‌ای روشنگرانه در زمینه اشعار کتاب می‌نویسد: «اسکیزوفرنیای پنهان و پیدای پلان قابل قبول روایت دیگر گونه مانیفست من در تأویل پذیردی دردیابی پنهان در زرف ساخت‌ها و رویافت‌ها در نگاه می‌سوزری به زبان و سرش حلوا، حلوا تنماید و شعر گنونه ندارد.» در بخشی از شعر از زخمند، پرفهمون «یک سندلی روی اعصاب و مدلیه‌های قلم می‌گذارم و روی پایه‌اش دستک - واروم نیم تم می‌خوانیم، هیچ... دوست عزیز! - از... مگر... را... از این دست که یکی کلتو پاترا و هرا کلتو پولیس هم حرف... از چی!

استگاه منروی فلکه دوم صابیه...

زبان آدمیزاد سرش...

نگفتم؟...

در ابتدای کتاب، ناشر طی مقدمه‌ای چهار سطر توضیح داده است که نقطه چینی متون، از شگردهای پست مدرنیستی شاعر در راستای هرمونیوزیز کردن متن و مرگ مؤلف صورت پذیرفته و دخلی به اداره نقطه چینی کتاب اثرش ندارد.

شماره ۱۳۲، خرداد ۱۳۹۲ - ۱۳

<b>یادداشت</b>
سناژ اقتصادیا

**یادداشتی بر کتاب ،خفته بر شکناه، زندگی‌نامه فریدون فروغی**

## مسأله این است!



۱- خفته بر شکناه، احتمالاً کتاب پرفروشی می‌شود. علاقه‌مندان به کتاب، موسیقی، فریدون فروغی و... براسی از کتاب این کتاب نمی‌گذرند. نام فریدون فروغی، مجموعه عکس‌هایش، متن ترانه‌هایی که اجرا کرده، همه و همه به اندازه کافی برای خرید کتاب و موسسه‌کننده است. باید به این نکته اشاره کنم که یوسف بزادنی، به نظر جوان باهوشتی می‌آید. البته شکنی نیست که قفسدش از جمع آوری مطالب این کتاب، ادای دین به فروغی هم بوده. اما باز نمی‌شود از هو شنمندی او چشم‌پوشی کرد. به هر حال تعداد علاقه‌مندان به فریدون فروغی و کسانی که قصد ادای دین به او را دارند زیاد است. بزادنی هم یکی از آنها. یکی از علاقه‌مندان که اتفاقاً ممکن است جویای نام هم باشد. آخرین عکس آخرین صفحه کتاب خفته در شکناه که بزادنی را کنار آرامگاه فریدون فروغی نشان می‌دهد، تصدیقی است بر این ادعا.

۲- اما باید پرسید، نوشتن از فریدون فروغی باقلمی توانا بودن غلط ویرایشی و نگارشی ادای دین است یا جمع آوری مجموعه مقالات و نوشته‌هایی به قلم دیگران (که حدود هفتاد صفحه از کل کتاب دوست و بیست صفحه‌ای است.) چاپ کردن متن ترانه‌هایی که فروغی آنها را خوانده به همراه عکس‌هایی از ابتدا تا انتهای زندگی او (که آن هم حدود شصت صفحه است.) و سی صفحه دیگر هم، چاپ گفت‌وگوی دیگران با فریدون فروغی که در مجلات و نشریات دیگر منتشر شده است؟

خفته در شکناه را که ورق زدیم، یاد کتاب‌های فیلمنامه افغان، شام آخر، چتری برای دو نفر، پارتنی، دنیا... که اول فیلمنامه را چاپ می‌کنند، بعد انواع و اقسام عکس‌های صحنه و پشت صحنه به تعداد فراوان با کارگردان و بازیگر و فیلم‌شناسی آنها اغلب این کتاب‌های فیلمنامه را، کتاب‌سازی می‌دانند.

از خفته در شکناه دور نشویم. از کتابی که کسی دوبده و براسنی زحمت کشیده با مطالبی جمع‌شود و کتابی ساخته‌شود، که البته تلاش و همت او قابل تقدیر است.

۳- اما به هر حال تمام کتاب هم که عکس و ترانه و نوشته‌های دیگران نیست. یوسف بزادنی خودش هم دست به قلم برده است. پیشگفتار، فصلی عنوان فروغی در گذر زمان که بیست صفحه بیوگرافی فریدون فروغی به نقل از خاطرات او است و همین‌طور دو گفت‌وگو با همسر فروغی و دوست او، یا نام صحبت باقلمی.
فریدون فروغی نفری نمی‌کنند. نه وجه اطلاع‌رسانی چندانی دارد و نه حتی گرمی از گزیه‌های گور زندگی فروغی (گر وجود داشته باشد) باز می‌کنند. به این دلیل نوشته‌گر گور که یوسف بزادنی در مصاحبه دوم (صحبت باقلمی) سعی کرده است خیلی کاراگاه، مایانه و شبیه سریال‌های پلیسی، برده از جانیایی که اتفاق افتاده بر اوارد. موفقیت او در این مصاحبه هم درست مثل موفقیت سریال‌های پلیسی ایرانی است.

۴- نویسنده کتاب لابد، وقت چندانی هم برای نگارش متون کتاب نداشته است. در غیر این صورت، غلط‌های نگارشی و ویرایشی عجیب و غریب و حتماً اصلاح می‌کرد. صفحه بیست و هفت کتاب، صفحه سی و هشت، هشتاد و یک، صد و چهل و نه و... براسنی ویراستار این کتاب کیست؟

۵- در پیشگفتار، دلایل جای خالی تعدادی از کسانی که صحبت‌هایشان باید در مجموعه گنجانده می‌شد، گفته شده است. اما این حال، جای خالی چند نفر دیگر نیز بی‌دقت احساس می‌شود که حتماً صرف‌های زیادی برای گفتن درباره فریدون فروغی داشته‌اند. اما نمی‌دانم چرا از آنها غافل مانده‌اند. شهیار قنبری، استادفوق‌مترادزه و... حتی همسر قلمی فروغی و از او همتر، توحیح سلیمانخانی، اگر چه مقدمه کتاب، او هم نوشته‌اند. اما باز جای خالی حرف‌هایش احساس می‌شود.
عزیز خواندنی خفته در شکناه فقط از خودم پرسیدم، شما یحیانی قبل از نگارش مقدمه، مجموعه مطالب جمع‌آوری شده و متون نوشته شده را خوانده است یا نه؟

۶- اما به هر حال، ناشر کتاب (شرکت‌الثق) انتشارات معتبری است و

کتاب‌هایی که تا به حال روانه بازار کتاب کرده هم پر فروش بوده‌اند و هم قابل توجه.

امیدمان بر آن است که خفته در شکناه در کارنامه نویسنده کتاب و نشر ثالث - که قطعاً زحمات زیادی برای چاپ کتاب کشیده است - جزو نقاط منفی محسوب نشود و یوسف بزادنی که او نیز حتماً در پی گیری و جمع آوری مطالب، سعی زیادی کرده، با کارهای عدلی خود، اعتباری را که به دنبال آن است، با قدرت به دست آورد.

<b>نکوت و ۹۶</b>
نازنین جهرمی

**گفت وگو با ناهید طباطبایی، مدیر انتشارات دید**

## طهران قدیم؛ روایت تصویری

علاوه بر این مجموعه، منشر کتید؟ اگر این کتاب مورد استقبال قرار بگیرد، قطعاً آن را دنبال می‌کنیم. اگرچه عکس‌های این کتاب، زینتوس خوانمای داره، اما فکر نمی‌کنید اگر متنی بود که توضیح بیشتری درباره عکس‌ها می‌داد، مجموعه جذاب‌تر و مفیدتری می‌شد؟

پیشتر با پاکزاد گفت‌وگویی انجام داده بود که مادر مقدمه، متن آن را آورده‌ایم. این درباره نحوه عکاسی اش، انگیزه و شروع کارش، صحبت‌های جالبی کرده که در مقدمه ذکر شده است. تصورمان این بود که صحبت‌های پاکزاد به اندازه کافی جذاب و مفید هست و متن دیگری احتیاج ندارد.

این عکس‌ها یک تلاشی که برای چاپ این کتاب کرده‌اید، چه دوران قدیم» و از بیرون بررسی می‌کنند، چه مدنی نیست به آن دارید؟ به غیر از یکی دو اشتباه کوچک درباره تاریخ عکس‌ها و اینکه یک عکس را دو بار در صفحات کار کرده‌ایم، فکر نمی‌کنم اشتباه دیگری داشته باشیم. من که خودم کلاً راضی‌ام. اما به هر حال باید منتظر بازتاب آن باشیم.

این عکس‌ها چقدر بر روانی که در حال نوشتن آن هستید، تأثیر گذاشته است؟ خیلی زیاد. داستان زبان من تقریباً متعلق به دوره همین عکس‌هاست=حدود سیال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۵. برای آشنایی بیشتر با این دوره، در کنار عکس‌ها، از منابع دیگری هم استفاده کردم. از جمله سفرنامه‌ها و کتاب‌های جامعه‌شناسی مربوط به آن سال‌ها که همه باعث شدند نسبت به تهران قدیم، حس خاصی پیدا کنم. یک جور نوستالژی خاصی که البته غم‌انگیز نیست.

چون به دنبال این مقالات می‌بینم که چه فضای رنگارنگ و فانتزی می‌تواند آن سال‌ها را حکم بکند. چه است. تهران می‌خواهد روی این نکته تأکید کند که ما تقریباً هیچ وقت حال را درک نمی‌کنیم. نسبت به آینده هم اطمینان نداریم و هر چه داریم متعلق به گذشته است. اگر با دید صحیح و خلاقیت به گذشته نگاه شود، باید کردن هویت اصلی و واقعی هر کدام از ما هم راحت‌تر می‌شود.

## این روزها

**شاهکار بی‌نش پژوه (ترانه سرا)**

## می‌خوانم و می‌نویسم

**روزها**

## شاهکار بی‌نش پژوه (ترانه سرا)

## می‌خوانم و می‌نویسم



رمانتیسیم دیگری سمبولیسیم تاگزینستیاپلیسیم، بررسی می‌شوند. تا به حال هم موفق شدم، بخش اول را که مربوط به کلاسیسیم است، تمام کردم.

برای تمام این کتاب حمله زیادی ندارم. ممکن است تحقیق و نوشتن درباره آن زمان زیادی بردام من هیچ حمله‌ای برای به نتیجه رساندن آن ندارم.

ناهد طباطبایی، ویراستار و مدیر انتشارات دید، پس از چاپ آلبوم عکس‌های صادق هدایت با عنوان «حسرتی، نگامی و آهی» مجموعه دیگری را شامل عکس‌های از تهران قدیم، منتشر کرده است.

عکس‌های این کتاب متعلق به محمود پاکزاد، یکی از عکاسان قدیمی است که با دوربینش، تهران سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ را ثبت کرده و به یادگار گذاشته است.

با طباطبایی درباره کتاب «طهران قدیم»، محمود پاکزاد و عکس‌هایش به گفت‌وگو نشستیم.

**ایده انتشار مجموعه عکس‌های تهران قدیم در قالب کتاب چگونه شکل گرفت؟**

حدوده ده سال بود که شرکت گرافیکی دید، عکس‌هایی از تهران قدیم را در قالب تقویم دیواری منتشر می‌کرد که آن عکس‌ها متعلق به محمود پاکزاد بود. اکثر کسانی هم که تقویم‌ها را می‌خریدند یا دید هنری نسبت به عکس‌ها داشتند، با حسن نوستالژی و به تقویم به عنوان یک گاهنامه صرف نگاه نمی‌کردند. پس از فوت محمود پاکزاد، شرکت گرافیک دید به من پیشنهاد انتشار این عکس‌ها را در قالب کتاب داد و من به خاطر یادبود پاکزاد و محفوظ ماندن عکس‌ها، پیشنهادشان را قبول کردم. علاوه بر این چون خودم هم اهل تهرانم، نسبت به این عکس‌ها حس نوستالژی قوی‌ای دارم. البته بیشتر کارهای مربوط به کتاب را خود شرکت دید انجام داد؛ از جمله بازسازی عکس‌ها، صفحه‌آرایی، طراحی روی جلد و... به هر حال زحمت زیادی کشیدند. درباره سبک عکس‌های محمود پاکزاد و اینکه او متعلق به چه دوره‌ای از تاریخ عکاسی است نمی‌گمی برایمان توضیح دهید.

محمود پاکزاد را می‌توان جزو اولین نسل عکاسان ایران محسوب کرد. عکاسان آن دوره هم معمولاً پیشندانی که به ایشان می‌شد و قراردادهایی که می‌بستند عکاسی می‌کردند. مثلاً خیلی از عکس‌های آن سال‌ها جزو عکس‌های اداری است و طبق سفارش مشتری انجام شده. مجموعه عکس‌های اندکی باقی‌مانده که در آنها هدف خاصی دنبال شده



## زکات و زکا

نگار پدرام

**گفت و گو با ابراهیم زاهدی**: نویسنده

# ادبیات کودک در روزنامه ها

ابراهیم زاهدی متولد ۱۳۴۰ و لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی است. زاهدی حدود ۹ کتاب تألیفی برای کودکان، یک رزگنامه و چند ماهنامه و دو مجله در کارنامه خود دارد. اولین کتاب او به نام «کی خوشمزه بود» سال ۷۲ در نشر محراب قلم منتشر شده است. آخرین کتاب زاهدی به نام «این هم پول ماهی» اوایل سال گذشته توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسید. وی همچنین داستانی به نام «چه کسی چشمه را خندانده؟ نوشته که هنوز برای چاپ به ناشر سپرده شده است.

زاهدی چندی است به دلیل فعالیت در روزنامه کثیر کتاب می‌نویسد. وی در حال حاضر مسئول گروه ادب روزنامه انتخاب است.

به نظر شما ادبیات کودک در روزنامه‌های سراسری چه جایگاهی دارد؟

به نظر من جای ادبیات کودک نباید در روزنامه‌ها باشد. چون ادبیات کودک یک حوزه کاملاً تخصصی است که با نغض روزنامه هماهنگ نیست، به‌طور کلی مخاطب روزنامه‌ها بیشتر بزرگسالان هستند و کودک به‌افتضای من خود نمی‌تواند با سرعت انتشار روزنامه هماهنگ باشد. یعنی وقتی کودک مطلبی را می‌خواند ممکن است نام یا نام دیگران درباره آن مطلب، سوال کند زیرا به دریافت پاسخ‌های خود نیاز دارد. حتی ممکن است هفته‌نامه‌ها برسی آن زود باشد چون فرصت فکر کردن به مطلب خوانده‌شده را از او می‌گیرد.

از طرفی در روزنامه‌ها به اخبار و گزارش‌های سیاسی بیشتر توجه می‌شود و صفحات ورزشی و ادبی تنها برای عده خاصی مهم است. طبیعی است که در روزنامه‌ها که اصل کارشان مسائل عمومی جامعه است، ادبیات کودک نقش نداشته باشد. **نظر شما درباره نشریات ویژه کودکان و نوجوانان چیست؟**
مجلات مخصوص به کودکان مثل کیهان چچه‌ها، سرش، سلام خوبی، گلک که انتشار آن متوقف شد و مجله خیلی خوبی بود، دوست و… کار اصلی شان پرداختن به ادبیات کودک و نوجوان است. حالا در این بین بعضی از نشریات فعالیت خوبی دارند و برخی به‌طور غیر حرفه‌ای به این مسأله می‌پردازند. مشکل عمده مجلات مربوط به کودکان و



نیز موجب کامل‌شدن این ساختار شده است. **منظور شما از مؤلفه‌های ژورنالیستی کدام مؤلفه‌هاست؟**
در بسیاری از مواقع، مجلات مربوط به کودکان خبیر، گزارش، عکس و… را از دید چچه‌ها چاپ نمی‌کنند چون کسانی که در این نشریات فعالیت می‌کنند با این مسائل آنچنان که باید آشنا نیستند. در حالی که همه آنها از بهترین‌های ادبیات کودکان و نوجوانان هستند. به‌طور مثال این خبیر که توکلی درصفهان در چاه افتاد، خبری است که جای آن الزماً نباید در نشریات کودکان باشد.

**یعنی لازم نیست موضوع خبیر حتماً یک کودک باشد؟**
کاملاً درست است. ساختار گزارش و زین ادبیات در نشریات کودکان، مناسب این گروه سنی نیست. شما وقتی سر کار هستید یا یک لباس خاص حضور دارید وقتی به عروسی می‌روید طبیعی است که لباس دیگری می‌پوشید. ماتهامه و مجله کودکان نیز باید همین طوری باشد. یعنی ساختار و زین در روزنامه یا داستان و کتاب فرق دارد و کودک وقتی یک نوشته را می‌خواند، باید توجهی شود که در این مطلب گزارش است یا داستان.

وضعیت کتاب‌های کودکان و نوجوانان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر که بازار کتاب کودک با کتاب‌های کمبک‌استرپ و کارتنی پر شده، چون ناشران به فکر فروش بیشتر کتاب‌هایشان هستند. البته من آنها را محکوم نمی‌کنم. هر ناشر حق دارد به فروش کتابش فکر کند. از طرفی نویسندگان خوب و داستان‌های قوی و جذاب خیلی کم شده. نویسنده‌گان ما برای تأمین مخارج زندگی خود مجبوره کتاب‌های بازاری می‌نویسند.

اما وضعیت کتاب‌های نوجوانان بهتر است و کتاب‌های خوب هنوز پیدا می‌شود. شاید به دلیل این که کمتر می‌شود سر نوجوانان را کلاه گذاشت. حرفه‌بازی در ادبیات نوجوانان نهایت‌أه‌ری‌پاتر است که هر روز ترجمه‌های مختلف آن چاپ می‌شود اما کتاب‌های تألیفی مابقی می‌ماند. در حالی که هر ی پاتر اصلاً در حد و اندازه داستان‌های ایرانی نیست.

**برای ترویج کتابخوانی در بین کودکان و نوجوانان چه پیشنهادی دارید؟**

بی‌خاصیت‌ترین و غیرفایده‌ترین بخش مدارس، کتابخانه است. کتابخانه کتاب و کتابدار در مدارس اصلاً معنی ندارد. باید از این حرف‌های تکراری که بچه‌ها بفک را به کتاب ترجیح می‌دهند گذشت. اگر به جای بفک در تلویزیون، کتاب تبلیغ شود، قطعاً بچه تکسکار می‌شود که مزه کتاب راچشد.

از طرفی باید معلمان آموزش دیده و باحوصله را برای مقاطع ابتدایی انتخاب کرد. مأموفانه بی‌سوفترین و بی‌حوصله‌ترین معلمان در مدارس ابتدایی تدریس می‌کنند. البته مظلوم‌ترین معلم‌ها همین افراد هستند. نمی‌خواهم بگویم آنها زحمت نمی‌کنند. بلکه قانونی که این معلمان را انتخاب می‌کند غلط است. چون بهترین معلم‌ها و پرحوصله‌ترین‌ها به دبیرستان‌ها می‌رفسته‌اند می‌شوند. معلمی که برای این مردن بچه از ناخن جویدن برای او این داستان را می‌خواند که کرم‌های زیر ناخن‌هایم بعد به شکل مار از دعادت بیرون می‌آید. مسلماً هیچ شاشتی از کودک ندارد و نمی‌داند ناخن جویدن چچه ممکن است از اضطراب باشد. وقتی معلم این است و مدرسه غمگین‌ترین و قدیمی‌ترین ساختمان، طبیعی است که به کودک در در نتیجه ادبیات او توجه نشود.



### برو چچه‌ها

### محمدعلی قضاع

محمدعلی قضاع ۲۲جلد از مجموعه ۲۸جلدی «محلّه درختی سرخ‌آرمز» نوشته مری پوپ آبرین را ترجمه کرده که در نشر پیکان در مراحل آماده‌سازی است. هر جلد این مجموعه یک مفهوم تاریخی، جغرافیایی و علمی را برای گروه سنی دبستان و در قالب داستان بیان می‌کند.

قضاع مجموعه ۸جلدی دیگری ترجمه کرده که در قطع جیبی توسط نشر پیکان منتشر خواهد شد.

این مترجم همچنین مشغول آماده‌سازی مجموعه کتاب‌های علمی «تخیلی است که هر جلد آن شامل چندداستان است. این مجموعه که هنوز نام ندارد، در نشر آینده‌نگار چاپ می‌شود. این کتاب «کارل اشتاین» نوشته فیلیپ یولمن را با ترجمه قضاع زیر چاپ دارد.

قضاع دو کتاب دیگر از فیلیپ یولمن به نام‌های «من موثر بودم» و «دختر مرد ترقه‌ساز» ترجمه کرده که توسط نشر آینده‌نگار چاپ خواهد شد. این مترجم داستان‌های کوتاه علمی-تخیلی چندنویسنده را جمع‌آوری کرده که در دو کتاب توسط نشر محراب قلم منتشر می‌شود. این دو مجموعه هنوز نام ندارد.

«محققان کیهانشناس» عنوان کتابی از لورنس اوست که با ترجمه قضاع در نشر محراب قلم زیر چاپ است.



## یادداشت

نقشه محمودی

### طنزشناسی تاریخ



**خواب اسکندر**، خواب، هوشنگ ممرازاده، تصویرگر: علی رادمند، انتشارات خانه ادبیات، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۷ صفحه، ۲۵۰ تومان

«مخواب» کتاب دیگری از

مجموعه طنزپلوری تاریخ نوشته هوشنگ ممرازاده است و داستانی از اسکندر کبیر روایت می‌کند. اسکندر در شب حمله به ایران خواب می‌بیند که در حال بازی با دم یک گریه‌با پشت پای یک مورچه سیاه زمین می‌رود و مرش می‌شکند. اربسطار گریه را به ایران و سیاه مورچه را به مردم آفتاب‌زده ایرانی تعبیر می‌کند و به اسکندر می‌گوید که در صورت حمله به ایران شکست می‌خورد و سرشکته می‌شود. اسکندر به دنبال راهی برای پیروزی می‌دریابد و یک دهقان ایرانی برای حل این معما او را راهنما می‌فریاده. خور می‌کند تا برای پیروزی بر گریه و مورچه خیس و سنگین شود. پاشا، مقدونی سر انجام دست از پا بازدهد و در(الله)کندر خود بر می‌گردد. درحالی که دهقان ایرانی در سبزه‌نمب تصویر انهایی داد و بارشتر «دخترش» دیده می‌شود.

○○○

اسکندر با ز آفرینی شده توسط ممرازاده، ایلیاد می‌خواند و شاگردارسط بودا به جادوگران هم اعتماد می‌دهد و هشتین شخصیت ایلیاد مثل میزرا نویس است. مجموعه کتس‌های این شخصیت از او موجودی हाल باشد. خورده‌ها طنز تصویر تاریخی او معمولی نداشت. کلامت شخصیت اسکندر تنها برای شش یادن سیاست ایرانی سرچسته شده است. شاید این انقلمی باشد که تاریخ از دیکتاتورها می‌گوید!

نصرتیروز خواب همچون دیگر کتاب‌های این مجموعه از برخی عناصر اروپایی بهره گرفته است و به باور دبیربزرگ شدن داستان برای مخاطب نوجوان کمک می‌کند. کتس‌کتاب توجه را برین تصاویر بیشتر نکت اسکندر است که همگام با حالت‌های جسمی او تغییر چهیره می‌دهند.

#### مرغ تخم‌طلایی

مرغ تخم طلایی کتاب دیگر این مجموعه، ادوی داستان دیگری از اسکندر است. اسکندر مقدونی پادشاه شکمو و مقدونی بعد از خوردن تمام مرغ‌های مقدونیه و یونان، تصمیم می‌گیرد به ایران حمله کند. او بعد از اینکه می‌بیند هیچ زمین و برگی برای ساهش ندادند، است هاشو گرفته‌اند و خزانه‌اش خالی از قوط تاریخی‌اش غش می‌کند، به توصیه پزشک دیوار برای به هوش آوردن او مرغی را زیر پتلی‌اش کتاب می‌کنند. اسکندر به هوش می‌آید اما پس از جادوی نارجم جادوگران برای برگردن صندوق دیوار و دریافت اینکه تنها مرغ تخم طلای دیوار را برای به هوش آوردنش کتاب کرده‌اند، دیواره از هوش می‌رود. میزرا نویس یک دهقان ایرانی را پیدا می‌کند و دهقان در عوض دو بار نشر خوراه، خورسی راه اسکندر می‌دهد و مدعی می‌شود که این خورسی را در(الله) مرغی نگارند. آن مرغ تخم طلایی خواهد گذاشت. در پایان اسکندر در می‌یابد که آخرین مرغ یونان و مقدونیه همان مرغ تخم طلایی بوده که سروده شده است.

○○○

امعاء در مرغ تخم طلایی، آنچنان که در دیگر داستان‌های این مجموعه قابل توجه به نظر می‌رسد، حل‌ناشدنی نیست ولی گویا حل کردن این معما هم عهده اسکندر، میزرا نویس و اطرافیشان خارج است. این بار هم نویسنده از طنز ایرانی برای حل معما بهره می‌گیرد. اسکندر دهقان ایرانی را در حال آتشی دوزخی رفتن می‌بیند و شاید کله تیرایی رفتن بیشتر سیاست و عطل بر ازنده او باشد! تا کذب نویسنده بر شکم‌بارگی و قش کردن‌های بیایی اسکندر و همچنین طنز تصویر طرفی این کتاب از نکات بارز آن است.



دیدگاه

علی‌رضا احمدزاده

## مقوله‌های متفاوت اما وابسته

بختی که مدت‌هاست در میان منتقدان آثار بازار گرمی دارد، به‌تعلق نمایشنامه در قالب کتاب به جهان ادبیات یا هنر است. عده‌ای معتقدند که نمایشنامه جزو «لایف‌ک» اجراست و اصولاً نمایشنامه زمانی قالب کامل خودرا یافته که دروندا اجرا به‌صصه ظهوربرسد.

عده‌ای دیگر نیز به استناد ماندگاری مین دوران

کلاسیک معتقدند که نمایشنامه یک ژانر افسانه‌ای است که گاه در هنر تئاتر نیز جلوه‌گر می‌شود و در میان این عده نیز کسانی اصول شکل‌گیری یک اجرا را وابسته به حیات فهرست‌نویس‌های از پیش نوشته می‌دانند. از طرف دیگر فهرست‌نویس‌های کتاب معتقد به نظر گروه دوم هستند.
با وجود اینکه آرای منتقدین و ارسال یکسری مطالب بی‌رو این موضوع، کتاب هفته نیز بختی را به یازدانی این نظرها اختصاصی داده است.
اساساً از جمله مطالبی که تاکنون به دست‌مازیسیده‌ایدگاه علی‌رضا احمدزاده، منتقد تئاتر است که به شرح زیر می‌آید:

«اساساً نمایشنامه باید برای اجرای صحنه نوشته شود، یعنی نمایشنامه با اجرا کامل می‌شود، البته اگر نمایشنامه‌ای کامل باشد، بیشتر از اینکه به جهان تئاتر تعلق داشته باشد به جهان ادبیات وابسته است. بعضی از منتقدان معتقدند که آثار شکسپیر یا سوفوکل و یا آثار کلاسیک‌های تئاتر تنها مناسب عوالم است نه مناسب اجرا و شاید در میان اینها آثاری با قابلیت اجرای بالا پیدا شود. مثل آثار تراژدی تویسیان مدرن که از آن جمله می‌توان به نمایشنامه کنائی چون آرتور میلر، یون فرس، ایسین، استرنیبرگ و… نیز اشاره کرد.

کتاب‌های پزینتر تا آفرتا بر روی دندنگی هنری شما داشته‌اند؟

### سپیروس کپورئی ژنژاد

پیش از هر نویسنده‌ای کارل گوستاو یونگ بر من مؤثر بوده و پیش از هر چیزی کتاب جهان‌نگوی هلسی-دیگر کتابی که من بسیار دوستش دارم «مفسرود روزیاد راه» میریسا ایادی است. البته کتاب‌های دیگری هم بوده‌اند. مثل «تورشناسی دین» که حالا نام مؤلفین خاطرم نیست.



دیدگاه

مهدیار مویزی

## ۲۵ ساعت در شبانه‌روز

**گفت‌وگو با داریوش رعیت: نمایشنامه‌نویس**



بیشتر می‌پسندی؟

کاستاندا، مولانا، حافظ و پرست.

از حامیان کمونیست تا مردان راه‌خدا، چاب نیست؟

گاهی وقت‌ها هم بمزم.

مشک آن است که پیوسته به آنگه داریوش رعیت بگوید:

حرف‌های زیادی برای گفتن هست و همین‌طور

حرف‌های بیشتری برای گفتن.

روزها و سال‌های آیند می‌روند، بعضی وقت‌ها

با خودم می‌گویم: آیا پنجاه سال بعد کسی مرا به یاد خواهد آورد؟

کتاب تئاتر
<b>بازی بازیگر</b>
حسن ملکی چنددم دربارهٔ تئاتر آرایهٔ همراهِی نشر افکار منتشر کرد. این اثر که تحت عنوان «مصور صحنه‌ای بازی‌گر» چاپ شده، «کتابی است دربارهٔ حرکات و سکنات بازیگر بر صحنه… بدن را از جهت صحنه‌ای تعریف می‌کند و اجزای قاعده‌ی آن را توضیح می‌دهد…» و توصیه‌هایی کرده که قدیمی‌ها می‌توانند لازم، مورد ابداع این حرکات و سکنات ارائه می‌دهند. این اثر شامل ۱۱ فصل است که تحت عنوانی چون «برده و میان‌برده، یعنی بند، دیده‌اند…» «مصور صحنه‌ای بازی‌گر» که حاصل همکاری نشر افکار و نشر تجربه است، به شمارگان ۳۰۰۰ نسخه در ۱۵۴ صفحه و به قیمت ۱۲۰۰ تومان منتشر شده است.
<b>پیش‌نویز</b>

**هشت نمایشنامه دانشجویی**
سید محمد طباطبایی مسؤول مجمع کانون آثار تئاتر دانشجویان کشور اعلام کرد که طی هفتهٔ آتی مجموعه‌ای تحت عنوان «آثار برگزیده ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگهی فخره منتشر می‌شود. این مجموعه که حاوی نمایشنامه‌هایی است از ایوب افغانی، فهیمه صیاحیان، زهره غلامی، موناشرکابی فرد، برگزیده اول تا هفتم نمایشنامه نویسی جشنواره تئاتر دانشگهی فخره در سال ۱۳۸۱ است. توسط علیرضا نوری، محمد چرم‌پسور و فرهاد مهدی‌پور گزینش شده‌اند. وی در ادامه افزود: طرح چاپ دومین مجموعه از نمایشنامه‌های دانشجویان کشور را به پایان گذاشته‌ام و در صورت تصویب، فرآیند حضور در این مسابقه اعلام می‌شود. طباطبایی تأکید کرد: هم‌راهِی گزینش آثار؛ چالش‌های پیش روی جشن چپ اصلا مگر دانشجویی است. وی در نهایت گفت: نمایشنامه‌هایی که بر اساس موضوع آزاد نوشته شده بود باز هم می‌شود اما نگارش آثاری بی‌رو موضوع ذکر شده، امتیاز ویژه‌ای برای شرکت‌کنندگان به حساب می‌آید.

بعد از نر
<b>قوی‌تر از هالما و رینا</b>
«هالما و رینا» عجمی‌ای است؛ نویسندهٔ قوی‌تر از عوآن سه نمایشنامه است به ترجمه کانون کبیرانه که توسط نشر شمشک منتشر شده است. آنجا که که به دلیل بخش کنافروشی‌های مثل تریاک تئاتر شهر - مگر - مگر در نمایشنامه از برترین آثار آریایک اربابمالی آریاک، افداری کبی و اگوست استرنیبرگ است که با لحنی اجرایی به فارسی برگردانده شده است.

### ابن سوی آینه

## چاپ در انتظار اجرا

**اکبر زنجانیور، بازیگر و کارگردان تئاتر**



اکبر زنجانیور متولد ۲۷همن ۱۳۲۵در شهر تهران است. اوسال‌های بسیار رایجه در حسن بازی نقش با هدایت بازیگر، بر صحنه گذارده است. زنجانیور اولین بار بعد از خواندن سه تابلوی مریم هم‌راهه عشقی در ۱۲ سالگی، شیفته تئاتر می‌شود و حالا در پاییز ۸۲ک پنجده و عفت سالگاری را می‌گذارد مشغول بازی در نمایش شب هزار و یکم، است. وی گفته‌اند از اجراهای صحنه‌ای، به گفته خودش از دوران دبستان تا به حال مطالب بسیاری نوشته است. نوشته‌هایی که هیچ‌گاه از علوت خودش خارج نشده از جمله این نوشته‌ها:نمایشنامه‌ای است به نام «طاعون» که اکنون آماده اجرا است، «طاعون» حول دوران انقلاب مشروطیت‌ای می‌گذرد و شاید یادگیری از جهان عشقی خوانی‌های نوجوانی او باشد.

زنجانیور می‌گوید: اگر روزی این نمایشنامه اجرا شود قطعاً جایزین می‌کند. او در مورد خود می‌گوید: آ تا آن‌تیل کارگران‌هایی هستم که پیش از شروع و در حین تمرین، وقیع تاریخی من نگارش شده و اطلاع‌نامه می‌کم به «لانگ‌مک ام‌برای اصاحور سوزانه» از ژورنیلر آگاهی از شرایط ونوع زندگی امریکایی در دوران تنگ‌کاری برلیم اهمیت داشت. در نهایت او معتقد است که نمایشنامه نوعی از ادبیات است، ولی آنچه در قالب نمایشنامه ارائه شود، قطعاً جلی در تئاتر پیدای می‌کند.

### در حاشیه

## به پیشش یا به پسش!؟



مهدیار مویزی

از این تاریخ را بر می‌گیرد که قطعاً نیز غرق‌بال ریشه‌ی‌ای است. اما مهمتر تر از آن پیشین کلام در «شعب هزار و یکم» گزارنده به این دلیل دو نمایشنامه پیشین ایشان را ذکر کرده که انتشار اثری است:گ، در دهان ژانر نگارش را می‌کشید. البته این تنها یک نظر شخصی است اما پیشانی پیش از هر چیزی سعی در نشان دادن سطرهای ناپایید تاریخ دارد.

چیزی که بعد از گفتف، قطعاً دیگر تاریخ نیست و شاید چون حقیقت است. «یادها همان قصه‌یامد. راستی آیا بعد از خواندن هر من از پیشانی سوال دیگری به جز اینکه چرا ما ایرانیان برای افادهٔ قاضیه‌به شکل قدرت حکم در می‌آییم؟ مطرح می‌شود»

شعب هزار و یکم: در ۱۳ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰نسخه و به قیمت ۱۰۰۰تومان در پاییز ۱۳۸۲منتشر شده است.

**بج بیجه‌های پشت صحنه**

**مهیاز مویزی**

جرات وروده به حیظه دیگر اندازم. فکر می‌کنم همین دنیای تئاتر برای من کافی است.
تیبه روا کرده
روزی چند ساعت کار می‌کنید؟
بیست و پنج ساعت. در خواب و بیداری با می‌نویسم و یا به کارهای آینده فکر می‌کنم. البته مقوله‌ای به نام کارگردانی بسیار ذهن مرا به خودش مشغول کرده

در طول روزها بیشتر چه ساعت‌هایی را می‌نویسید؟

هر ساعتی که احساس امنت یکم.

امیت در مقابل شرایط بیرون یا درون **وجودتان**؟

«گالبه» فرمان نمایشنامه می‌شد، می‌گوید: «وقتی

شکم من سیر می‌باشد، انگار بدیمی به سرم می‌زنند»

**فکر می‌کنی این ناله‌ها تأییدی در روند کارِت می‌گذارد؟**

چه کسی ناله کرد، فقط خواستم مژاسمی کرده باشم.

**روزی چند ساعت مطالعه می‌کنی؟**

امروز یک ساعت، دیروز هیچی. فردا را هم

نمی‌دانم.

از میان کتاب‌هایی که خوانده‌ای، آثار کدام نویسنده را







گمانه‌نیم که به آنها کافر باشند.

قرآن کریم، سورهٔ انعام (۶) آیت ۸۸:۸۸

فالتئ، گذشته مومین است. امیر مومنان (ع) ۸ گزیده میزان الحکمه، حدیث ۳۳۵۳ به نقل از عبود اخبار (ص) (ح)



## لیکچره

## یک فرمول سه حرفی

**سید علی محمد رفیعی**

یکی از کارهای خوب فریاد ساده کردن بسیاری از دستورالعملها و مفاهیم است. امروزه حتی نویسندگان مسلمان که در خارج از کشور تحصیل کرده و برای آموزش جوان و غریب‌زبان کشورهای مسلمان و غیرمسلمان کتاب می‌نویسند، این شیوه فریها را برای شیرینتر، خواندن‌تر، ساده‌تر و کوتاه‌تر کردن نوشته‌های خود به کار می‌برند تا به‌ویژه جوانان مسلمان را با شیوه‌های فیلدینتر آموزش دهند.

ذکر نمونه‌ای در اینجا خالی از قلمه نیست.

یکی از مراکز فعال در تبلیغ و گسترش اسلام، مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی (International Institute of Islamic Thought) یا نام اختصاری IIT است که مرکز آن در واشنگتن قرار دارد. این مؤسسه حاصل زحمات حدود نیم قرن دانشجویان مسلمانی است که از کشورهای گوناگون اسلامی به غرب آمده بودند تا تحصیل کنند و در کنار آن به تبلیغ اسلام در غرب نیز بپردازند. امروزه آن دانشجویان بیروز، پژوهشگران، پژوهشگران، متخصصان، رهبران، وزیران، نخست‌وزیران و مقاماتی عالیرتبه در کشورهای غرب با در کشور، خویشان‌الد و شهرت و محکت گرفته تا زندان و شهادت را پیموده‌اند. این

مؤسسه از آغاز قرن ۱۵ هجری قمری به پشتوانه دانش روز و دانش اسلامی رهبران و افضای خود، طرح اسلامی‌سازی معرفت را به عنوان یکی از برنامه‌های خویش برای آینده‌ای که تمدن اسلامی بدیل تمدن غرب قرار می‌گیرد در دستور کار دارد. از جمله فعالیت‌های این مؤسسه چاپ و نشر آثاری به زبانهای مختلف از طریق شیعه مرکزی و شعبه‌های متعدد خود در سراسر جهان است.

یکی از موسسان روزگاری مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی، دکتر هشام العلیب عراقی است که اسناد الکترونیك دانشگاه‌های آمریکا بوده و در حال حاضر ارده‌های آموزشی بسیاری برای جوانان مسلمان در نقاطی از جهان برگزار کرده است. وی کتابی دارد که به ۲۰ زبان زنده دنیا چاپ شده و نام اصلی آن در انگلیسی ارده‌های آموزشی فعالان اسلامی، (Training Guide for Islamic Workers) و در ترجمه عربی ارده‌های کارآموزی رهبری، (دليل التدریب القیادی) است. این کتاب برای همه فعالان اسلامی به‌ویژه جوانانی نوشته شده است که می‌خواهند نسبت به محیط و جامعه خود احساس تعهد و مسئولیت کنند.

کتاب در اصل ۳۷ فصل دارد که در هر فصل به گونه‌ای جذاب و ساده و با ذکر مثال و طبقه و نکته و پرسش و خلاصه مطلب و هدف از فصل و غیره آنها به خواننده آموزش در زمینه‌های تبلیغ، رهبری، حل مشکل، تصمیم‌گیری، اجرا، برنامه‌ریزی، ارزیابی، تشکیل تیم و کار گروهی، سخنرانی، نویسندگی، صحبت، ارتباط، تنظیم وقت و مدیریت زمان، هنر خوش دادن، تشکیل و ریاست کمیته، تدارک و برقراری همیش، کار با وسائل سمعی و بصری، ارتباط با رسانه‌ها، تأسیس مؤسسه، خودسناری، برنامه‌های کارآموزی، برگزاری در زمینه‌های آموزشی جوانان مشا کنند، رفتار با اهل آداب اسلامی و از این قبیل می‌باشد. هر فصل حداقل از ۳۰ تا ۴۰ صفحه رایشتد در بر نمی‌گیرد. ترجمه فارسی این کتاب بدو سال پیش از سوی نشر قطره انتشار یافت که نام هدیه‌ریت و رهبری در شبکه‌های اسلامی داشت.

باری این کتاب در پایان فصل ۳۷ خود که عنوان ده سوی بهتر نشستن، دارد، به شیوه بسیاری از دستورالعملهای خود، فرمولی سه حرفی را آورده و تأکید کرده است که نویسنده نباید تنها برای پرکردن کافز نویسنده بلکه او و نوشته‌اش باید چنین باشند. این فرمول، واژه یا معنی OAR (به معنی ماشین) است.

حلاق = C

فوق = A

نتیجه محور Result oriented

که در ترجمه فارسی به این صورت ایرانی‌سازی شده است. تنها برای پر کردن کافز نویسنده، دستورالعمل هدف را در نظر داشته باش تو نوشته‌ات باید، هادنگرا! هاد دقیق و سه ذکر آخرین باشد. در فرمتهای آتی به برخی دیگر از شیوه‌های نوین آموزش نویسندگی خواهیم پرداخت.



### با اردشیر مجرد تاکستانی نگارگر صاحبنام

## بهره‌های نشر دینی از هنر

بازگشتی به طبیعت و خودمان داشته باشیم تا آن چه را بخوانند در وجود ما به وجهه نهاده است. بیاییم.
**چه رابطه‌ای میان اخلاق و شریعت با دریافت تئورهای الهی در هنر می‌بینیم؟**
سبب بسیاری از هنرمندان قدیم در هنگام کار، وضو می‌گرفتند. آفتاب فرخندها همیشه به ما می‌گفتند یادمان باشد وقتی نمازتان را انجام دادید، حتماً یک مثل یک کشمشیز نیز بریزند. می‌شود. هنرمندان فشار را در می‌شود و از خود آگاه و خوش خلق و از سر مشغول می‌شوند. اثرها را از زمان ساخت می‌دهند. بنابراین کار هنری آنها به دل نمی‌چسبند.

من بیزم، خداوند وقتی نماز می‌خواند، من بیزم، یعنی با کار گفتن من، خدا خودش را ظاهر می‌کند. وقتی معراب قلب ما پاک شد، خداوند پیش ما می‌آید. ما سالتانها حضور بخوانند باید مثل یک چراغ روشن حس کنیم. آرایشگره‌های که در کلساها و بناهای تاریخی اروپا و ایران می‌بیند، حاصل عشقی است که هنرمندان به خداوندند. آنها عشق را مانند دیگری می‌دانند. با طبیعت، بیشتر مانوس برندها، احساس زیباتری نسبت به آثار آنها دارند. می‌کند. از در مقابل بهت و حیرت دیگران در خلق معجزه به پیاز آواز سنگ ناصی، می‌گوید. این مجسمه در درون سنگ بود، من، تنها زیاده‌اش را زدیم.



### متخصصان دینی ما باید مشاورانی در امور اجتماعی اقتصادی و هنری داشته باشند و از نظرات آنها برای راهگشایی کارشان استفاده کنند

وگرنه هیچ هنرمندی نسبت که بدون عشق به خداوند کاری را انجام دهد. مولوی می‌گوید: کی وجودی دائمی افلاک را خداوند پایه و اساس و بنیاد آفرینش را بر عشق گذاشته است. این است که هر کس عشق خداوند شود، چیزی غیر از زیبایی و خلایق در او نمی‌بینیم. آن را نیز خداوند اراده می‌کند و هنرمند کاره‌ای نیست. معمار در اراده خود کار را انجام نمی‌دهد. آن اراده خداوند است که او را قادر به کار می‌کند. او چنان با عشق کار می‌کند که ملانان بقعه متبرک نیز سرشار از عشق است. به همین خاطر ما به محض ورود کسب آرامش می‌کنیم. گسائی هم که به زیارت خانه کعبه می‌روند اثری فوق‌العاده‌تری دریافت می‌کنند. آن اثری حضور خاص الهی است که به آنها عشق می‌دهد.

**به نظر شما چگونه می‌توان به خلایق رسید؟**
خلایقیت همه افراد بشر در حیطه قدرت خداوند است و ما بدون اراده خداوند هیچ کاری را نمی‌توانیم انجام دهیم. اگر در حین اجرای کار هنری حضور ذهن داشته باشیم و با آگاهی کامل این کار را هدیه‌ای از طرف خداوند بدانیم، سادسدهم می‌توانیم خواهم شد وقت که اثر هنری را می‌بینیم و با همه سادگی از آن لذت می‌بریم، عشق و اثری موجود در اثر به ما منتقل می‌شود. این اثرها در تمام طول روز و از سوی خداوند به طور دائم به طرف ما می‌آیند. ولی ما با رفتار خود آنها را دور می‌کنیم.

یابد تجدید نظری در رفتارمان کنیم و

با اردشیر مجرد تاکستانی از نگارگران نامدار معاصر و از شاگردان استاد محمود فرخیمان گذرگویی دوباره چگونگی پیوستندی نشر دینی از هنر که بخشهایی از آن را در اینجا می‌خوانید.

**هنر ودین و به‌ویژه نشر دینی چه ارتباطی می‌توانند با هم داشته باشند؟**

پراساس آن چه طی سالها کار و تجربه هنری و تجربه عملی با کار هنری و مسائل مذهبی پیدا کرده‌ام، در طول تاریخ هیچ هنری را غیر مذهبی نمی‌بینم و هر هنری در طول مدت زمانی که در حال اشاعه و رشد بوده و به تکامل رسیده، در خدمت مذهب بوده است. نقاشی، مجسمه‌سازی، آئینه تاریخی هنری و به‌ویژه بناهای مذهبی را از قدیم‌ترین ایام در نظر بگیرید. از دوران سومر باستان یا مصر باستان یا چین که ادیان اخلاقی داشتند نه ادیان الهی. با کشورهای دیگر مثل هند، تمام بناهایشان بناهایی مذهبی بوده که با آثار هنری تزین شده است. در هند، چین، مصر، ایران و بسیاری مکانهای دیگر می‌بینیم که معابدی برای پرستش خدایان یا تکریم انواع قدسیین ساخته می‌شده که به وسیله هنرمندان تزین می‌یافته است.

اگر تاریخ هنر اروپا را بخوانید، می‌بینید که غالب هنرمندان طلبه بوده‌اند. اگر شرح حال هنرمندانی مانند میکل آنژ، برنینی و تیپولو را مطالعه کنید، خیلی راحت متوجه می‌شوید که آنها یا عشق به مذهب کار هنر را شروع کردند.

آنها یا شکوه و قیامت‌نامه آنان نشاندهند عشق به خداوند است. اینان بر اثر کار فراوان در کلیساها و معابد، غالباً در سنین پایین از دنیای رفتند و به سبب کار و مشقت زیاد و روزهای فراوان، کاه در سنین سی و هفت تا چهل سالگی فوت می‌کردند. بنابراین هنر هیچ‌گاه از مذهب جدا نیوده بلکه در خدمت مذهب بوده و مذهب همواره از هنر حمایت می‌کرده است. هنرمندان نیز غالباً آسناهای فریخته و معتقد به هنر خود بودند. برای نمونه می‌توان مساجد یا بقعه‌های متبرک را نام برد. او معماری که سازنده این آئینه بودند، یاد کرده و از این که چه تفکر دینی و اتصال مذهبی به خداوند داشتند که این بناها را به گونه‌ای ساختند که وقتی وارد آنها می‌شویم، احساس آرامش می‌کنیم.

وقتی افرادی وارد یک بقعه مبارک می‌شوند تا یک قدیس را بزرگ دارند یا از آن طلب برآورده شدن تقاضاهایی کنند، چون با عشق وارد بقعه می‌شوند این عشق آنها دارای اثری فوق‌العاده زیادی است. این اثرها جامع می‌شود و به وسیله آئینه‌های کار شده در بقعه‌ها به چندین برابر می‌رسد. علاوه بر این، اثری قدسیی که در آن مکان مدفون است نیز محفوظ است. این اثرها به طور مضاعفی چندین برابر می‌شوند. بنابراین اگر کسی قابلیت گرفتن اثری اثر داشته باشد، معجزه اتفاق می‌افتد. مثلاً می‌بینیم شخصی به فلان مکان مقدس می‌رود و معجزه می‌شود و مشکل و گرفتاری او برطرف می‌گردد. این حاصل اثرهای موجود در تمام معمران کمک از ساختن بنای تاج محل از تمام معمران کمک گرفته می‌شود. یکنی می‌گوید آن را از خست طلا می‌سازم. دیگری می‌گوید از درز و گوهر می‌سازم. ما یکی می‌گوید که من آن را با عشق می‌سازم. به اوجازه ساختن می‌دهند. شاه جهان هم می‌گوید اگر این بنا غیر از عشق با چیزی دیگری

### ۱۸ شماره ۱۳۲، شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۸۳







نگاه ویژه

علی‌الله سلیمی

## فقط جاده‌ها، ساختمان‌ها و پل‌ها را می‌بینند

**گفت‌ وگو با سید ضیاء قاسمی، شاعر**

شده، خانه ایبات افغانستان را تأسیس کرده‌اند. از طرفی در این مدتی که مهاجرن همیان جامعه ایران بودند، رابطه‌ها و تعامل‌های خوبی بین فرهنگیان افغانستان و مراکز وساحل و نه‌انصاف فرهنگی ایران ایجاد شده که لازم است نهادی باشد که بعد از رجعت مهاجران از ایران، در داخل افغانستان این روابط و تعامل را به شکل سازمان‌یافته و مص‌مرکز حفظ کند که یکی از اهداف تأسیس خانه ایبات افغانستان، تلاش برای انجام چنین کاری است.

**چه برنامه‌هایی از برای رسیدن به این اهداف دارید؟**
برنامه های گسترده‌ای طراحی شده است که کار بعضی از آنها شروع شده و بعضی‌های دیگر نیز در تقویم

**سید ضیاء قاسمی؛ به صورت جدی از سال ۱۳۷۰ به سرودن شعر پرداختم**



زمانی خاصی فراز است اجرا شود. عمده برنامه‌های ما چاپ و انتشار مجموعه‌ها و جرایدهایی و هنری و برگزیری مرسوم و نمایشگاه‌هایی با این رویکرد است که بعضی از این برنامه‌ها در ایران و بعضی‌ها در داخل افغانستان انجام می‌گیرند.
**منابع و هنرهای ایی برنامه‌ها را چگونه تأمین می‌کنید؟**
بیپند تأسیس این خانه یا پیشینیا سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران که نسبت به این مسأله توجه

**سید ضیاء، قاسمی متولد ۱۳۵۲ در شهر بهبود در ولایت میدانشهر از مناطق مرکزی افغانستان است این شاعر سال ۱۳۶۲ به همراه خانواده به ایران مهاجرت کرده است. از سال ۱۳۷۰ به صورت جدی مشغول شعر را پیگیری کرده است و در سال ۱۳۸۱ اولین مجموعه شعری با عنوان «گریه ایبات معاصر» منتشر شماره ۱۳۷ و وسط انتشارات نیشنال منتشر شده است. وی در حال حاضر عضو هیئت شعری جوان صدا و سیما، مسؤول جلسات شعر و نغمه مهاجران افغانستان در تهران است. به انگیزه آشنایی بیشتر با این شاعر افغانی و فعالیت‌های خانه ایبات افغانستان با وی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که با هم می‌خوانیم**

**هدف از تأسیس خانه ایبات افغانستان، چه بوده است؟**
ارتضاف و شرایط فرهنگی افغانستان، دغدغه‌های بسیاری از برای اهالی فرهنگ افغانستان باعث شده است. عمده ترین مسأله‌ای که از قبل هم پیش پیش می‌شد و حالا دارد خودش را نشان می‌دهد، ترنج چندی به مقوله فرهنگ در امر یازسازاری است. مناسبانه اکثر مردم و مسوولان در کشور ما و البته عموم کشورهای جهان سوم تا حرف از یازسازی و توسعه می‌شود، ذهنیشان متوجه پدیده‌هایی می‌شود که شکل فیزیکی دارند و به چشم می‌آیند، از خرابی‌ها فقط جاده‌ها و ساختمان‌ها و پل‌ها را می‌بینند. در این میان آنچه که در جلوی چشم نیست، معسول مغفول می‌ماند. اعتقاد ما بر این است که در سطح جهانی طوفان افغانستان، منتشرترین خرابیج در ساخت فرهنگوری فاد و یازسازی فرهنگی مهمتر از هر یازسازی دیگر است که نابدید گرفتن آن، عوارض بسیار جدی و خطرناک دارند. با این دیدگاه، عملی از دوسنان فرهنگی برای مشارکت در یازسازی ملی در زمانی که یک عزم و وقایح ملی برای این امر ایجاد

داشته‌اند. صورت گرفته و ما به ادامه این پیشینیا می‌دورایم. برای برنامه‌های اولیه‌امان نیازمند مساعدت و مشارکت ارگان‌ها و سازمان‌های فضااح هشیم که البته از سوی بعضی از این سازمان‌ها قول‌هایی هم به ما داده شده است. اما در پیروان این مجال فعالیت‌ها و درآمدهای خود خانه ایبات تأمین کنیم.

**حالا اگر افرادی نداشتند باشد، رابع به خودتان، از چه زمانی به شعر پرداخته‌اید؟**
از دوره ابتدایی یک چیزهایی می‌گفتم، اما به صورت جدی از سال ۱۳۷۰ به سرودن شعر پرداختم. آنچه هم که در این مسیر خیلی به من کمک کرد و دستم را گرفت، در ابتدا مسابقات دانش‌آموزی بود که آن سال‌ها با خود شروع حرارت بسیاری برگزار می‌شد و بسیاری از شاعران موفق جوان امروز ایران، پرورش یافته و کشف شده همان مسابقاته. بعد جلسات شعر این سال‌ها هم حوز ه‌هنری بود که با حضور استاداعلی‌معلم و امامعلی‌برگزمار می‌شد که هجج نشده نمونه‌ای بود و این سال‌ها نظری برای آرا یافت نمی‌شود. بعد هم راهنمایی‌ها و دلسوزی‌های شاعران توانای هموش محمدکاظم کافظمی و سیدولطالب مقزری که حق استادی پر بنده دارند و نا حالا هم افتخار و خیران این مسیر را دنبال کردیم.

**آخرین کتاب شعری که مطالعه کرده‌اید کدام بوده و چه نظری درباره آن دارید؟**
آخرین کتاب شعرا، افران اوج صلح مجموعه دوست‌اشروم و نمایشگاه‌هایی با این رویکرد است که بعضی از این برنامه‌ها در ایران و بعضی‌ها در داخل افغانستان انجام می‌گیرند.
**منابع و هنرهای ایی برنامه‌ها را چگونه تأمین می‌کنید؟**
بیپند تأسیس این خانه یا پیشینیا سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران که نسبت به این مسأله توجه

### نگاه دوباره

م شراف

درحاشیه حادثه انتشارهری پاتر

### بگو معصومه نیاید، محبوبه آمده

برای من بود بحث اوج می گرفت و هر کس نظری می داد اردوان از ترجمه دیدا اسلایمی دفاع می کرد و افغان نیز پشت او را می گرفت. اذشیر و سناله از ترجمه بهارک ریاحی پرورد دفاع می کردند. اردوان می گفت: امیربهارک ریاحی پور فقط جلد پنجم را ترجمه کرده و ترجمه‌اش هم چنگی به دل نمی‌زند. او یک جلد را ترجمه کرده،منی‌تواند مثل مترجمی که پنج جلد را ترجمه کرده، خوب ترجمه کند.

اژشیر و سناله‌را خندهای به تشخر زنده و اژشیر گفت: بالاآترجمه بهارک ریاحی پور مام است. اما هم بهتر است. تاآیا او هر پنج جلد را ترجمه کرده و من خودم هر پنج جلدش را دارم.
انگله بحث فنی تر شد و مجادله و سر در فقت در ترجمه و اینکه کدام ترجمه دقیق‌تر و زیاتر است در گرفت و کم کم صدایان اوج گرفت. منی‌دانشم همین حالاست که به سراغ من آید. به دابور در دباب ساخرز گفتند: از برتری ترجمه یکی بر دیگری، و هنوز این اندیشه به‌عالم نکرده بود که هر چهار نفر گفتند: از عمو مهدی پریشم و در دیگر گفتند، ایندهی می‌هدی می‌پریشم. هر چه یادم مهدی گفت قبول است.

افغان گفت: عمو جان! ترجمه کدام یک بهتر است: بهارک، ریاحی پور یا دیدا اسلایمی؟ مانه بودم چه بگویم. راستش رویم نشد شمارا که عضو فرهنگی خانواده می‌دانستد بگویم هیچ یک از جملجات هری پاتر را نخواندم و اگر قصه دانی می‌شد، عمووری که از عمو دانی پرسختان یادداشت، در دانشکاش حش بر می‌داشت. به مطرحه گفتیم: من که ترجمه‌ها را مقایسه نکرده‌ام، نگاراید گاهی به دو ترجمه یکتو و بعد نظرم را می‌دهم؟

بچه‌ها را شنیدم، شنیده دابوری در زمان آید، که شایدم عزم‌آمه آید. یادشو با خود فکرم کردم تا یک ماه دیگر این تب فرو نشسته است.

بچه‌ها رفتند و در امن جاهای پیشین خود سنگر گرفتند و ماب گفت و ماب گفت، گویه‌های صدا تا یک عازمان‌انامه دادیم.

برازدم می‌گفت: «این هری پاتر هم چه «یکسه نخود نشین و بشمارنی است». همه را سر کنار گذاشته و مشغول کرده است.»
من سراپا نشاط بودم که بچه‌های خانه بازرگترمان به کتاب روی آورده‌اند. عصر هنگام که مهمان‌ها دسته‌جمعی خانه را ترک گفتند، هشتم با خوشرویی گفت: «راگم نمی‌تد به معصومه می‌گویم فردا نیاید.» با خودم گفتم آخر محبویه آید و به‌اشرا بام به کتاب بود.



نگاه نو

**این هم از عجایب خدمتگزاران وادی قلم و کتابت**



در کتاب هفته شماره ۱۲، ۱۳۰ مهر ۱۳۸۲، مقلبی تحت عنوان «کتاب، کباب، بانگ و باقی قضایا»، مطرح شد که برابم کمی پرسش برانگیز بود. ظاهراً نقل «ناشر و کتابفروش فعال و نمونه‌ای بود» یه گفته نگارنده همان مطلب، که فروشگاه کتابش را در فضای کوچک در خیابان گریصخان، تبدیل به احسن کرده بود.

نخستین پرسشی که در ذهن من نقش بست اینکه آیا چنین کاری، آن هم پس از سابقه‌ای بیست و چندساله در کار نشر و کتابفروشی، جز تحسین و تکریم می‌تواند حرف دیگری داشته باشد؟ شاید انجام چنین عملی فقط سه چهار سال پس از آغاز کار حرفه‌ای می‌توانست تا اندازه‌ای ها و حیرت‌انگیز باشد. البته اگر قرار بود توانایی‌ها و خلاقیت‌های فردی را در انجام کاری، به‌طور کامل از نظر دور بداریم، اما از توجه به دقت و حساسیت و البته عشق و صبوری و صفا و خلوص، چنین پیامدی به هیچ وجه دور از ذهن و ناپسندگام به نظر نمی‌رسد.

منظور از این اطلاع‌رسانی که با خریدن کتابفروشی‌ها ستری می‌توانید آن را به فروشگاهی سنه تبدیل کنید، چیست؟ یعنی افتدغرایتان می‌شود و می‌اندوید که می‌توانید معاوضه‌ای این چنینی والا داشته باشید یا آنکه با حضور در آن کتابفروشی سه‌نشین، دیگر لازم نیست این‌همه سال‌های متمادی را صرف دست و پنجه نرم کردن یا مصائب کنید، چه بلافاصله در اوج خواهید بود (البته به شرط آنکه در اوج نباشید)، با خود فکر می‌کردم به واقع آیا ما فقط مجبوریم که هر تغییر خوشایندی را صرفاً از منظر شک و شبه و طنز ببینیم؟ آنچه که حتم است، اظهار انتقادهای سامان‌بش و از خواب پیدار کن است، اما تضعیف روحیه و به‌ظاهر خدشه‌دار کردن پیامدی خوش چه توجهی دارد؟ عجب عالمی دارد این اجتماع انسانیت که هر آنچه انجام دهد باید «اما» برانگیز باشد. اگر کتابفروشی تبدیل به کبابی شود که استغفرالله، بی‌مهری و بی‌وفایی مساحش نقل هر محفلی می‌گردد، وقتی کتابفروشی کوچک بزرگ شود، یا بازار اظهارات دلسوزانه و روکشنگی بانگ (نمی‌دانم آیا بانگ دولتی هم وردشکسته می‌شود؟!) خیر مقدم گویش می‌گردد؛ کتابفروشی با لوازم تحریر و کانت و سی‌دی… همه‌را شود بلکه غیرت مشفق را حفظ کند. چه سوبر کتاب منتم می‌گردد و بالاخره اگر کتابفروشی فقط در حیطه فروش کتاب باقی بماند، مجری‌اش بی‌فکر و علری از قصد اقتصادی بینداشته می‌شود. خلاصه که دلسوزی‌ها فراوان است آن هم از هر دستسی.

اما با وجود همه این گفت‌وشنودها، پویسته به خود پیامی می‌زنم که ارزش هر کاره‌فکمند و خالص، مستلزم به گرو گذاشتن کل وجود، احساس، شرافت و ایمان به کار است. نگذاریم که مشاوران همچنان به کلام مشاوره سخن گویند.

**با احترام**  
**منیا افغانی**



مجید آل ابراهیم

## یادگار هالیدی

کتاب «اصول فیزیک» نوشته آقایان هالیدی و رزنیگ، که در ایران و بین اهل دانش و جویندگان آن به «فیزیک هالیدی» مشهور است، یکی از معروفترین و معتبرترین مراجع تدریس اصول اولیه فیزیک به دانش آموزان و دانشجویان در دنیا محسوب می‌شود. این اعتبار تنها مختص به این نسبت و مرجع به این کتاب در سرسبز جهان مرسوم و متداول است و حتی میزان مطالعه مورد نیاز برای مصفی از آزمون‌ها در آن سوی آب‌ها نیز، سطح این کتاب است.

این کتاب به تقریباً به تمام شاخه‌های اصلی دانش فیزیک پرداخته‌است. از زمان تولد خود در سال ۱۹۵۰ تاکنون (بیش از ۳۰ سال) بیش بار مورد بازنگری و ویرایش کلی قرار گرفت و این جدا از تغییرات در طراحی و صفحه‌بندی و گرافیک کتاب است که هر بار آن را از ویرایش پیشین خود کاملاًشو جذاب‌تر کرده است.

در تمام و رشته‌های دانشگاهی با چنین کتاب‌هایی روبرو می‌شویم. شیمی، آنتاوم، فیزیکولوژی وچند ششاسی ماهی‌شنید که با خود نام تخصصی را به همراه کنایش به یاد می‌آورند. هالیدی در مقدمه ویرایش‌های مختلف کنایش علاوه بر بیان ضرورت تعییرات جدید در کتاب و نحوه انجام آنهااز نامی برای مرجع تغییرات کنایش نام می‌برد. یکی از این منابع نظرات مربیان و آموزگاران این کتاب است و دیگری نظر دانشجویانی است که از آن به عنوان کتاب درسی استفاده می‌کنند.

اصول فیزیک به صورت کامل با بخش‌هایی از آن به زبان‌های دیگرترجمه شده است و این به جز کتاب‌هایی است که به صورت غیرمستقیم از این کتاب و بخش‌های مختلف آن بهره برده‌اند.
با اینکه آقای «دوید هالیدی» چندی است که دیگر در بین ما نیست ولی مطمئن هستم که تا سال‌ها نام او در پیش چشم و گوش ما خواهد بود و از کنایش بهره خواهیم برد ولی چیزی که این یادآوری را کمی هزاندند او و کتابش در کشورمان است.

آیا این یادآوری‌نست که هیچ‌کس از دانشمندان محترم و علاقه‌مندان فیزیکدان یا مهندسان ما کتابی که مورد استفاده دانشگاه‌هایمان شده و چون یادآورنده تأیید همه باشد از یکی از کتاب‌های دانشگاهی سراغ دارد تا برای ثبت در تاریخ هم که شده آن را در کتاب هفته یا هر جای دیگری معرفی کنیم؟ اگرچه ممکن است گفته شود که ما چون تولیدکننده دانش نسبییم، قادر به تولید چنین آثار ی نسبییم. بسیار خوب! این تلقی به ظاهر موثری است و حلاله که در علوم تجربی مشکل داریم در علوم انسانی خودی نشان بدهیم. لطفاً کتابی مشابه در زمینه جامعه‌شناسی،اقتصاد،جغرافیا یا تاریخ را معرفی کنید.

این هم مشکل است؟ چطور است یک کتاب برای آموزش زبان فارسی به خارجی‌زبانان را پیدا کنیم و تبلیغ کنیم. مگر نه اینکه خود فارسی زبانیم و وارث میراثی بزرگ از قرن‌های متمادی؟
آیا در یادآوری‌نست که تاریخ ادبیاتمان را هم دیگران نظیم و تألیف می‌کنند. به وادی حضرتعالی قدم گذاشتیم او می‌داند که از فردا سیال اعتراض‌هاست که فلانی چشم خود را بست و این همه دستار و در کتاب و محقق بزرگ و کوچک را نمی‌بیند. آثار تصانیف هم نگذرویم. حتی به جانب آنهاست تعداد آثار تصانیف هم پژوهشگران کشور اگرچه ناگلفی ولی زیاد است. ولی سوال گراننده چیز استند و است و آن هم اینکه چرا با وجود این تعداد استاد و مدرس و پژوهشگر، انجمن‌های علمی و دانشگاه، توانسته‌ایم حتی یک جلد کتاب که مورد توافقی و استفاده دانشگاه‌های کشور باشد به بازار عرضه کنیم؟ هیچ وقت مسائل و مثال‌هایی را که در مورد «کریکت»ه، نیس، پاله، و راگبی» در کتاب فیزیک هالیدی خواندم با حل کردم فراموش نخواهم کرد و فکر نمی‌کنم کسی هم این نوع سوالات را فراموش کند.

راستی آیا کسی هست که «تاج‌بم فرهنگی» را در چند کلمه برای من با خوانندگان معنی کند؟

### یادداشت



مجید آل ابراهیم

## آینده کتابخانه‌های دیجیتالی

آنها مورد ارزیابی است.

همچنین آنچه در مورد کتابخانه‌های دیجیتالی بسیار مطرح می‌شود، خبرهای حقوقی این نوع کتابخانه‌هاست که مدیریت مجوزها، مالکیت معنوی و مسائل حق مؤلفان را شامل می‌شوند؛ با توجه به آنکه محیط‌های گوناگون پژوهش شامل دانشگاهها و مؤسسات دولتی خصوصی می‌شوند.

با توجه به پروژه‌ها یا موضوع طراحی و ارزیابی گوناگون کتابخانه‌های دیجیتالی می‌توان به انواع مختلف آن از جمله متخصصان آرشیو و کامپیوتر و همچنین متخصصان حوزه فناوری پزشکی، علوم اجتماعی و علوم انسانی فرامه می‌شود.

به‌طور خلاصه، تحقیق در زمینه کتابخانه دیجیتالی، طیف وسیعی از نظام‌ها، موضوع‌ها، رشته‌ها و مجامع در سال‌های آینده را در بر خواهد گرفت. این رشد، بازتاب این واقعیت است که کتابخانه‌های دیجیتالی در آینده به‌عنوان هویت‌های سازمانی، وظایفی بر عهده خواهند داشت و نقش کلیدی را در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی بازی خواهند کرد. محیط‌های کاری مشترک دیجیتالی، راهبایی اجتماعی محیط‌های دیجیتالی، اشکال جدید محیط‌های دیجیتالی برای اهداف دانشگاهی، آموزشی، نشر و سرگرمی می‌توانند به‌عنوان زیربنای تحولات آتی پژوهش در کتابخانه‌های دیجیتالی مورد مطالعه قرار گیرند.

### نشر

مهمنی محیری

## انتشارات مک گرو – هیل

که والدین می‌توانند در خانه برای آموزش فرزندانشان استفاده کنند. همچنین تولیدانی ویژه برای کتابخانه‌ها و مراکز آموزشی.

۲- کتاب‌های درسی دانشگاهی که شامل

کتاب‌های تخصصی علوم مهندسی و ریاضی هستند.

۳- تولیدات و کتاب‌های تخصصی و الکترونیکی.

برای آگاهی بیشتر می‌توانید به نشانی اینترنتی http://books.mcgraw-hill.com مراجعه کنید

و در قسمت کتابفروشی الکترونیکی کتاب‌های با موضوعات کشاورزی، تجارت و اقتصاد، کامپیوتر، زبان‌های خارجی، تاریخ، هنر، ریاضی، پزشکی، علوم سیاسی، تکنولوژی مهندسی و… را جستجو کنید.

در ضمن این کمپانی یک سری سرویس‌های اطلاعاتی جهانی را فراهم می‌کند و به علاقه‌مندان، خدماتی در امور مالی- آموزشی و تجاری می‌دهد که با نشانه‌های زیر شناخته می‌شود:

businessweek و standard poor's آموزش مک گرو-هیل.

مهمنی ابرجی

## مورری بر کتاب آموزشی «نگاهی به فیزیک»

برای دانش آموزان در امتحانات و آزمون ورودی دانشگاه‌ها دارد. اما به موضوع مهمت و حل مسائل فیزیک با روشی مفهوم‌مدار و موشکافانه نگاه کرده است. مؤلفان این کتاب که به دلیل سکونت در دیاری خارج از سرزمین ما از گزند موج آموزشی کنکور در ایران به دور بوده‌اند، کتابی نوشته‌اند که برداشت‌های اشتباه رایج در میان فارغ‌التحصیلان و دبیرستانی‌ها را زیرنظر نمایان و گوشزد می‌کند.

در پیشگفتار این کتاب آمده است:… «در بیان آگاه بی شک در این کتاب مطلب تازه‌ای نخواهد یافت اما به طرز ازارانه تازه‌ای از مطالب درسی بر خواهند خورد…»

مقالهٔ این کتاب را به‌همه دانش آموزان علاقه‌مند و کنجکاو و دیربان خواهان ایده‌های نو در طرح مسائل فیزیک پیشنهاد می‌کنیم.

گفتنی است مؤلفان کتاب «نگاهی به فیزیک» ل تاراسو و آ. تاراسو هستند که توسط علی معصومی ترجمه شده است و در سال ۱۳۷۸ چاپ شده است. کتاب حاضر با قیمت ۱۲۰۰ تومان در بازار کتاب عرضه می‌شود.

از آنجا که کتابخانه‌های دیجیتالی مهمترین ابزار تحقیق در جامعه علمی کنونی‌اند، بسیاری از پژوهشگران حوزه اطلاع‌رسانی و کتابداری تحقیقات فراوانی کرده‌اند تا بتوانند تعریفی دقیق از این نوع کتابخانه‌ها ارائه دهند از جمله این پژوهشگران «علی شیری» پژوهشگر مرکز تحقیقات کتابخانه دیجیتالی (CDLIR) دانشگاه استراس کلاید گلاسکو بریتانیاست که مقاله‌ای در این باره نوشته است.

مقاله وی در همایش «کتابخانه‌های دیجیتالی، مفاهیم و روندهای جاری» که نهم مهرماه در دانشگاه تهران برگزار شد، توسط ابراهیم عمرانی رئیس کتابخانه مرکزی دانشکده علوم این دانشگاه قرائت شد.

منتن زیر برگرفته از آن مقاله است که در پی می‌آید:

کتابخانه‌های دیجیتالی در سه همایش بین‌المللی با نام‌های «کنفرانس مشترک کتابخانه‌های دیجیتالی»، «ششمین کنفرانس اروپایی تحقیق و فناوری‌های پیشرفته در کتابخانه دیجیتالی» و «پنجمین کنفرانس بین‌المللی کتابخانه‌های دیجیتالی آسیایی» در سال ۲۰۰۲ میلادی بررسی شدند.

پژوهشگران حوزه کتابخانه‌های دیجیتالی سعی کردند تا معماری، سیستم‌ها، ابزارها، فناوری‌ها، محتوا، مجموعه‌های دیجیتالی، ابر داده، تعامل پذیری، استانداردها، خطاهای سازماندهی دانش، کاربران و کاربری، مسائل، حقوقی، سازمانی، اقتصادی، دیجیتالی و نشر الکترونیکی



مهمنی محیری

مک گرو- هیل از ناشران معتبر جهان در زمینه

تولید کتاب‌های تخصصی و مرجع است که هدف خود را آموزش به اجتماع برای کسب مهارت‌های جدید در جهت رسیدن به زندگی بهتر عنوان می‌کند.

این مؤسسه حدود ۱۰۰سال پیش به همکاری جیمز مک گرو و جان هیل شکل گرفت. جیمز یک معلم بود ولی در زمینه چاپ و نشر مجلات علمی هم فعالیت می‌کرد. جان هم ویراستار مجلات علمی بود. هر کدام از وی به صورت انفرادی در زمینه علوم و فناوری فعالیت داشتند تا اینکه همین امر سبب ایجاد آنها و تأسیس مؤسسه کتاب مک گرو- هیل شد.

جان و جیمز با همکاری یکدیگر توانستند سرپرستی مجلات متعددی را به عهده گرفته و آنها را توسعه دهند و شعبه‌هایی در انگلیس و کالیفرنیا ایجاد کرده و دامنه فعالیت مؤسسه را گسترش دهند.

پس از مرگ جیمز فرزندانش کار پدر را ادامه دادند تا اینکه مؤسسه توانست در فاصله سال‌های ۱۹۳۰

### کتاب

این روزها بازار کتاب‌های آموزشی کنکور بسیار داغ است. این موج چنان قوی است که دیگر به زحمت می‌توان کتابی برای آموزش هر درس از جمله فیزیک دبیرستانی یافت که به شرح موشکافانه مفاهیم پرداخته باشد.
توجه کتاب‌های نمونه سوالات کنکور و امتحانات ورودی دیگر دانشگاهها به گونه‌ای این فکر را در آدمی القا می‌کند که در اساس آموزش فیزیک همین است و پس…

اگرچه هیچ یک از درس‌های دوره دبیرستان در کشور از گزند یکسوگیری کتاب‌ها آمان نگذرد و اگر هم ناشری چنین کتاب‌هایی را چاپ کند، مورد بی‌مهری همچون فیزیک و ریاضیات که نیاز به تعمق بیشتری برای یادگیری دارند، خطرناک‌تر است.

چنین است که کتاب‌های مفاهیم علمی از جمله فیزیک در بازار کتاب جای چندانی ندارد و اگر هم ناشری چنین کتاب‌هایی را چاپ کند، مورد بی‌مهری و کم‌توجهی مخاطبان خود قرار خواهد گرفت.

کتاب «نگاهی به فیزیک» چاپ «نشر گستر»ه اگرچه رویکرد حل مسأله



## کتاب وگو

بزرگ شکرخواه

# یک گفت‌وگوی تمرینی! با جوانترین فهرست‌نویس کتاب

آمدہ بود پیش سید فرید قاسمی تا فهرست‌هایی را که برای معرفی کتاب تهیه کرده بود، بدهد. تصحیح کنند. دورین دستم بود. چند فریم عکس که گرفتیم با کتیباکاری پرسید: چرا عکس می‌گیرین از من؟ گفتیم: دارم تمرین می‌کنم، بعدش هم می‌خوام تمرین مصاحبه کنم.

و چند لحظه بعد کاغذ برداشتم و تمرین مورد نظر را تبدیل کردم به یک گفت‌وگو با جوانترین فهرست‌نویس کتاب.

امیدوارم شباهت از همین حالا هر تمرینی را جدی بگیرد. از اوربسم.

دوست داری مصاحبه کنی؟  
بله، ولی اگه دوستانم بینم مسخره می‌کنن.  
چرا؟  
داری من نویسنه، نویسنه... اِه اینم نوشتن؟  
دانشی می‌گفتی، چرا؟  
چی نگم؟  
چند سالته؟  
۱۵ سال، اینو می‌خوانی چاپ کنی؟  
تا بیستم چی پیش میاد.

می‌شد...  
خودت کتاب معرفی می‌کنی؟  
شبهات ده‌هایی متولد ۱۳۶۸ در تهران.  
کجا درس می‌خونی؟  
دیوسنان شهر.  
بگی چطور با کتاب آشنا شدی؟  
از چیکو بابام می‌دیدم که با استناداش رفت و آمد می‌کنه و خودشم مجله در میاره. از اون موقع آشنا شدم، آقای مرتضی هاشمی پور هم نشونم کرد.  
از چه کتاب‌هایی خوشش میاد؟  
رمان و قصه و داستان‌های کوتاه.  
الان کتابی هست که بخونی؟  
بله، قصه‌های کهن مهدی آذریزی.  
به من یک کتاب توصیه می‌کنی بخونم؟  
واسه سن من شما؟  
مگه واسه سن من کتاب نیست؟  
چرا هست ولی من نمی‌دونم... هوبت میلان کوندرا.  
چرا این کتاب؟

### کتاب

## اصل چهارم ترومن در ایران

بعد از جنگ جهانی دوم، محور سیاست خارجی آمریکا بر کمک اقتصادی، نظامی و فنی به کشورهای قرارگرفته که می‌آمدند کشورهای اروپایی در پی جنگ تضعیف شده بودند یا همچون برزیل کشورهای نهم‌تست جهان سوم، به لحاظ موقعیت استراتژیکی، در منطقه خطر نفوذ کمونیسم قرار گرفته بودند.

کتاب اسنادی از اصل چهارم ترومن در ایران که به وسیله سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دو جلد منتشر شده است، اسناد مربوط به میزان و چگونگی ارائه کمک‌های اقتصادی و نیز عملکرد اداره اصل چهارم ترومن در ایران را پیش روی علاقه‌مندان و پژوهش‌گران قرار داده است.

خوبه.  
فقط همین؟  
آندہ نمی‌دونم نوی چه زمینه‌ای دوست داری؟  
بگذریم، به پایا کمک می‌کنی؟  
بله.  
چه کمکی؟  
معرفی کتاب در بخارا.  
استم تا حالا چاپ شده؟  
آره، به عنوان مسؤؤل اشتراک ولی از این شماره به خاطر چیز دیگه‌ای چاپ می‌شه؛ به خاطر معرفی

نویسنده‌های معروف خاطراتی برام نوشتن

کتاب.  
بلدی چطور کتاب معرفی کنی؟  
آز آقای سید فرید قاسمی یاد گرفتیم، الانم اوادم برام تصحیح کنن.  
خوب یاد گرفتی؟  
بله.  
به همین راحتی؟  
نه سخت بود، تا حالا چند بار اوادم.  
از دفترهای می‌گی؟  
دفترام کدوم دفتر؟  
همنون دفترهای معروف!  
بله، بله، اونا کجینونه‌های متن از نویسنده‌های معروفی خاطراتی دارم که برام نوشتن، بعضی هاوقت کردن و بعضی از اونها هم زنده‌اند.  
اسم می‌بری؟  
آقای زرین کوب، داریوش فروهر، جلال‌الدین آشتیانی، عبدالحمین آذرنگ، علی قاضی، انجوی شیریازی، فریدون مشیری، مرتضی میز، خاتم دکتر قمر آریان، عزت‌الله فولادوند، جلال ستاری، عزت‌الله نظامی و...

### رسانه‌ها

## کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

شماره‌های ۹۸ و ۹۹ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ویژه مطالعات صفوی (۲) منتشر شد. در این شماره از ایچ انتشارات گنبد، تاریخ صفویه در نامه‌های گنبدشده از حکیم امیری/مهرابی، یادشاهان صفوی، از دکتر منصور صفت گل‌گرازی به زبان هلندی، درباره ایران عصر صفوی؛ از دکتر رابر گل‌پوربوش‌های جدید، فریبان درباره تاریخ مذهبی ایران عصر صفوی، ورامی خوانیم، در بخش گزارش فرگ‌خوانی مانند گردهمایی ایران و جهان در عهد صفویان، نوشته دکتر منصور صفت گل‌گرازی، نشست علمی زوال و فروپاشی دولت صفویه از منظر دینی و مذهبی رامی خوانیم.

کتاب ماه علوم اجتماعی شماره‌های ۹۹ و ۷۰ کتاب ماه علوم اجتماعی ویژه جهان آینده منتشر شد. این نشریه با یادداشت ویژه با عنوان به سوی جهان آینده آغاز می‌شود، در بخش گفت‌وگو نیز خواننده نظرات مائول کاسانوف درباره عصر اطلاعات و گفت‌وگو با شهین‌نخست خوارزمی درباره آینده دیجیتال جهان هستیم.

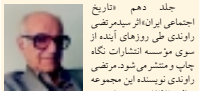
مجموعه مقاله‌ای از دکتر سعیدرضا عاملی درباره دو جهانی شدن‌ها آینده جهان آمده است. در بخش بررسی کتاب، آثاری از دکتر جهانگیر عینی، حمداری با عنوان بسته‌درزیده به سنجی «خرش‌بین» و دیگر مقالاتی به جامعه پسا‌مستقل از دکتر محسن صفوی، بیژان طاهر جان‌طیور و گونال باقرچشمه منصوره، گریزه‌زاده لاله و بیژان تاریخ و آسریل آسان از جهانی‌حال، با ترجمه گوردژ جیانی و به به چشم می‌خورد.

### تسلیت

استاد کرانقرچسب‌چاپ آقای میباز طه‌پوری مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. سلامت و بهروزی جنابعالی را از خداوند سبحان خواستاریم.

## چهارم‌ها و کتاب‌ها

### سیدمرتضی راوندی



جلد دهم تاریخ اجتماعی ایران، اثر سیدمرتضی راوندی طی روزهای آینده از سوی مؤسسه انتشارات نگاه چاپ و منتشر می‌شود. مرتضی راوندی نویسنده این مجموعه آثار دهه‌ای روحانی متولد شد. او هنگام تولد، پانزده‌دوازده‌ساله بود. از او دست‌داده بود. راوندی در دوره‌ای از مدرسه آلمان و دوره متوسطه را در دبیرستان خیابان میوه به پایان برد. پس از آن وارد دانشکده آفسری شد و با توجه ستوان سومی نظام وظیفه را به پایان برد. راوندی پس از به پایان رساندن خدمت وظیفه و اخذ درجه لیسانس در سال ۱۳۳۸ به عنوان ایدوار دادگستری مشغول به کار شد. زندگی وی پس از شهریور ۲۰ و ورود ارتش متفقین به ایران دگرگون شد. تلاش او برای تحقق استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی او را چون بسیاری از افراد تحصیلکرده به سوی احزاب کشاند. حزب‌هایی که وعده‌های خیرین عدالت و شاکت‌گیت قانون را می‌داد. مرتضی راوندی در این زمان به عنوان بازجویی دادسرای نظامی تهران فعالیت می‌کرد و وظیفه‌اش در شرایط انتقال نظامی و حکومت بود. در سال ۱۳۳۵ امتحان هفتمانه آفنگر را گرفت. یعنی در دوره‌ای که ساکن اسفهان بود از همان جا انتشار این هفت‌نامه را سامان می‌داد. راوندی در سال ۱۳۳۲ به خاطر عقاید سیاسی‌اش به زندان افتاد اما تحقیق و پژوهش و ترجمه را در هر شرایط و موقعیتی از یاد نمی‌برد. وی که به زبان‌های عربی و فرانسوی تسلط داشت، چندی کتاب در زمینه ترجمه و تألیف، تاریخ اجتماعی ایران را در سال ۱۳۲۰ به تهران منتشر کرد و جلد دهم این مجموعه را سال ۱۳۷۲ در سوئد توسط نشر باران به دست چاپ سپرد.

راوندی خود در این باره می‌گوید: اما انتشار جلد دهم تاریخ اجتماعی ایران، اقدام کاسنگین و دشواری که حدود چهل سال قبل با علاقه و عشق، گردآوری مطالب و تألیف آن را به عهده گرفتیم، پایان یافت. راوندی می‌افزاید یکی از نخستین مورخان ایرانی است که تاریخ نویسی را به روش علمی تألیف و تدوین کرد و خود می‌گوید: تاریخ نگاران باید مسیر تحول اجتماعی یک ملت را در سراسر دوران شرح دهد و علل دگرگونی آن را یک مرحله به مرحله دیگر کشف و بیان کند.

آثار دیگر راوندی «تفسیر فائق اسامی ایران» و «زندگی ایرانیان در خلال روزگاران» و «سیر فائق و تاریخ دادگستری در ایران» از رویه است که اغلب قبل از انقلاب چاپ و منتشر شده اما کتاب دو جلدی تاریخ تحولات اجتماعی را در اواسط دهه هفتاد در ایران چاپ و منتشر کرد. سیدمرتضی راوندی سرانجام در سال ۱۳۷۸ در بیمارستان آبان تهران در گذشت و در قطعه نویسندگان و هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

### صاحب امتیاز:

عنايه کتاب ایران

### مدیر مسؤول:

احمد مسجد جامعی  
سرمدیوز: علی اصغر رمضانپور

### امور فنی:

کلیت گرافیک

### لینوگرافی و چاپ:

ایرانچاپ

### اول فخر (جیم):

شماره ۹، طبقه دوم

### مضدوک پستی:

۱۳۷۵-۳۱۲-۸۳۸۶۵۲۳

### تلفن:

۰۲۱-۸۸۲۰۱۹۹

### نشانی اینترنتی:

http://www.ketabehafte.com

